

تأثیر



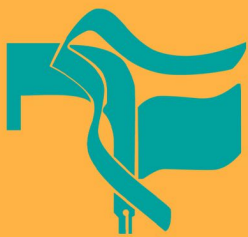
ماهنامه دانشجویی تحریر دانشگاه فرهنگیان

T A H R I R



فرهادی: اثر: حسن روح الامین

- ارمغان فرهنگ عاشورا در نقش آفرینی معلمان . عاشورایی بودن و امام حسینی ماندن .
- مکتب عاشورا ؛ با نظر به تاثیر تربیتی آن . فرهنگ عاشورا از نگاه شهید مطهری .
- چرا رحلت پیامبر؟ چرا وفات یا شهادت پیامبر نه؟ . آن روزگاران با امام حسین .



راه ارتباطی

@Nashryeh_tahrir97



بسم الله الرحمن الرحيم

قدر مجالس عزاداری
را بدانند، از این
مجالس استفاده کنند و
روحاً و قلباً این مجالس
را وسیله‌ای برای ایجاد
ارتباط و اتصال هرچه
محکم‌تر میان خودشان و
حسین بن علی علیه السلام،
خاندان پیغمبر و روح اسلام و
قرآن قرار دهند.

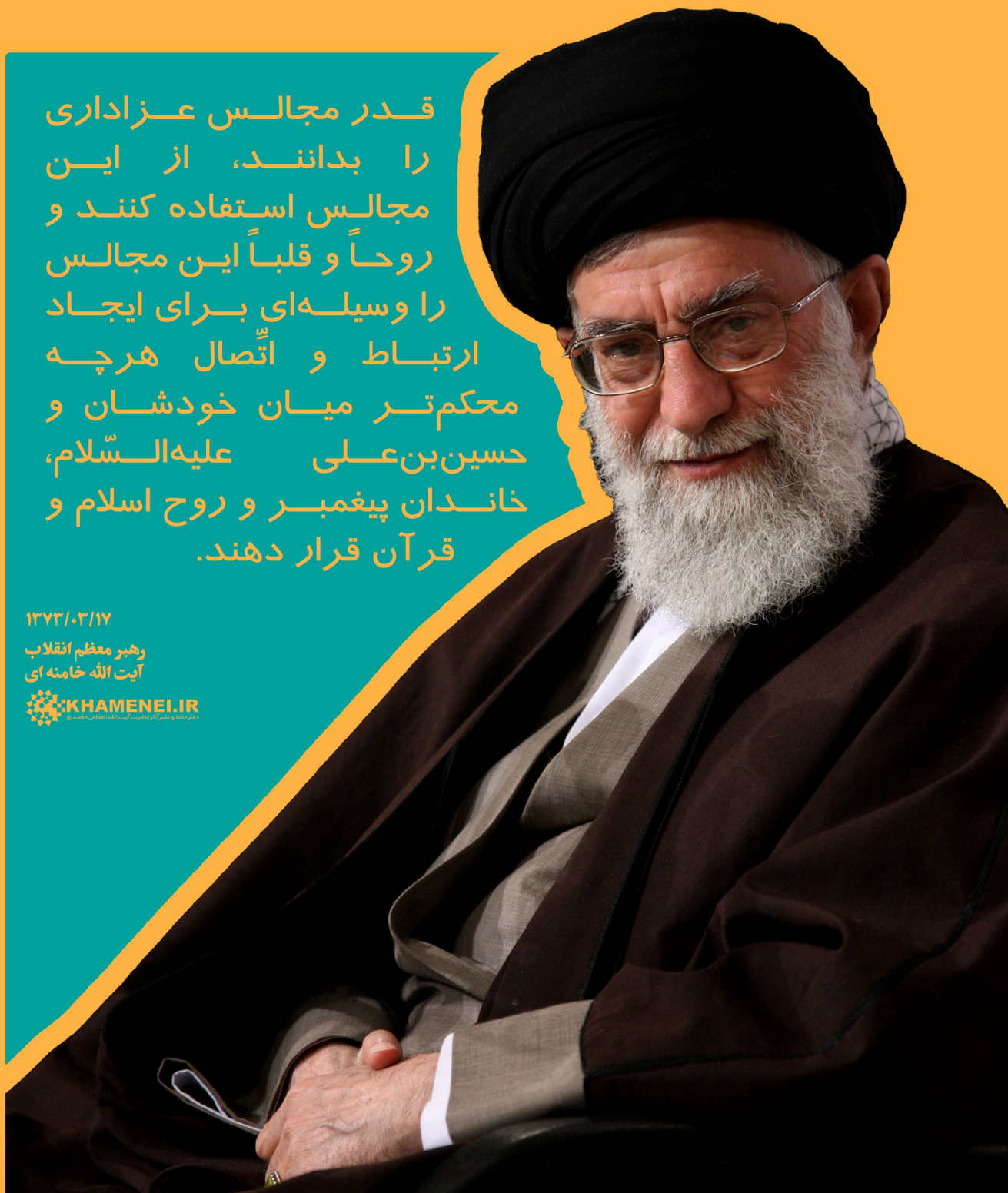
۱۳۷۳/۰۳/۱۷

رهبر معظم انقلاب
آیت الله خامنه ای



KHAMENEI.IR

دفتر مطبوعه و نشریات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای



شناختنامه

ویژه نامه امیر نامیرا / نشریه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تحریر

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی پردیس شهید باهنر اصفهان

مدیر مسئول: محمد مرادی چادگانی

سر دبیر: محمد مهدی بزرگیان

صفحه آرا: امیر محمد بهارلوئی @aghaye_moallem @aghayemoallem

طراح جلد: علی اسکندری انالوجه

ناظر کیفی: محمود فروتن

روابط عمومی: فاطمه شبانی

دبیر کارگروه سیاسی و اجتماعی: رضا احمدی بنی

دبیر کارگروه علمی و پژوهشی: مهرداد دهقانی فیروز آبادی

دبیر کارگروه هنری و ادبی: پروین بهرامی

هیئت تحریریه: فاطمه صفرپور خینعرب / فاطمه شیریان / امیر اسدی / علیرضا احمدی / پیمان اربابیان / رضا احمدی بنی / زهرا نصر / اسید حسین موسوی نیکو / ابوالفضل فلاح / زهرا آزادمنجیری / فاطمه ماهرانی / مهتا خلیلی / فاطمه ابن علی / الهه خادم حضرتی / مهرداد دهقانی فیروز آبادی / علی اسکندری انالوجه / حسن شامزادی / پریسا گیلانی / فاطمه کاظمی اسفه / رستا محسن پور / منصوره حیدری

دبیر کارگروه ویراستاری: فاطمه ابن علی

ویراستاران: فاطمه ابن علی / نگار ارشدی / مهرداد دهقانی فیروز آبادی / محمدرضا سبکتین / زهرا یوسفی / حانیه احرانی / زهرا هاشمی نژاد / عارفه گرجی /

دبیر کارگروه رسانه تحریر: نجمه عربصالحی

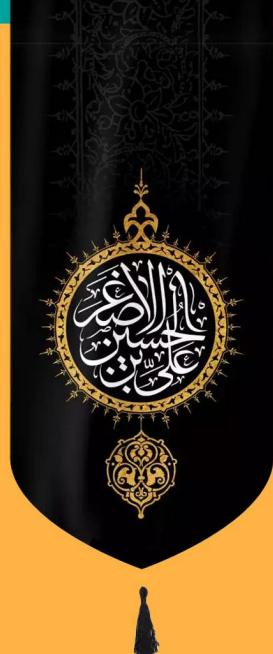
هیئت رسانه ای این شماره: راحله سادات خاقانی، زهرا هاشمی نژاد، الهه خادم حضرتی

دبیر کارگروه رادیو تحریر: رستا محسن پور

گویندگان این شماره: فاطمه نصر اصفهانی، حدیث اکبری مقدم، هانیه کریمی، فائزه نظری، دلآرام کاظمی، حسین علینژادان، حمیدرضا بابائی،

نویسندگان: محمود فروتن، فاطمه صفرپور خینعرب، آلاء

فهرست



سخن سردبیر	۵
برای او، برای شاهنشاه دین	۶
زنان در واقعه کربلا	۷
مکتب عاشورا؛ با نظر به تأثیر تربیتی آن	۹
تبلور فرهنگ عاشورا در منظومه آموزشی (تربیت دینی دانش آموزان)	۱۱
ارمغان فرهنگ عاشورا در نقش آفرینی معلمان	۱۲
فرهنگ عاشورا؛ چیستی و ضرورت تبیین مبانی	۱۳
حماسه حسینی	۱۴
بی بابا، ویژه کودکان کربلا	۱۷
مردترین زن	۱۹
من حسینی می مانم	۲۰
بررسی چهره امام حسین (ع) در مقالات و علوم مختلف دینی	۲۱
آن روزگاران با امام حسین (ع)	۲۳
عکس‌های گویند	۲۵
راز عاشقی، بررسی جنبه‌های سیاسی عزاداری	۲۷
چرا رحلت پیامبر؟ چرا وفات یا شهادت پیامبر نه؟	۲۹
اربعین حسینی و شکوفایی نهضت اسلامی ایران	۳۱
معرفی کتاب؛ مرام نامه تشکیلاتی شیعه	۳۳
نامه دعوت	۳۴
خطبه امام حسین (ع) در سرزمین منا	۳۵
حسین فریاد عدالت تاریخ	۳۶
رادیو تحریر	۳۷

حسین (ع) ، اکسیر حیات بشر

بسم رب الحسین

اسلام گفت بشر باید به ارزش عالی خودش معتقد باشد و زندگی اش اصل داشته باشد. انسان باید به اصطلاح اروپایی‌ها در زندگی دارای عقیده باشد و این عقیده از نظر اسلام عقیده الهی است. عقیده الهی که بر تمام شئون زندگی فرد و جامعه چیره و مسلط است. و باید در مسیر زندگی همواره در رعایت این اصل بکوشد و مجاهده کند. بنابراین فرمول زندگی بشر از نظر اسلام این شد: انما الحیاه عقیده و جهاد. معاویه و هم مسلکانش از نظر اسلام ، مردمی مطرود و منفورند. باید حامیان اسلام، به پا خیزند و این دشمنان تقوا و فضیلت را سرکوب کنند و چه کسی بهتر از خاندان علی وجود دارد؟ علی (ع) به پا خاست؛ بعد از او حسن (ع) به پا خاست و بعد از او حسین (ع)، تا اصل عقیده و جهاد در راه خدا پرستی را زنده کند. زنده کردن این اصل، دیگر با سخن گفتن و نوشتن میسر نبود. اباعبدالله تشخیص داد باید صحنه‌ای به وجود آید که در تاریخ بشریت و مجاهدات انسانی، همواره جاودان بماند؛ درسی که همیشه زنده باشد. واقعا هم درس حسینی همیشه زنده ماند، پس قیام اباعبدالله، برای به وجود آوردن کلاس و مکتب مجاهدت در راه عقیده برای همیشه است.

و امروز بیش از هر زمانی این حماسه جهانی نیازمند جان بخشی و شور مضاعف در جامعه بشریت دارد، آری همان گونه که شهید بهشتی(ره) اشاره کرد که در این قیام باید عقیده‌ها پایدار و استوار باقی بمانند، عقیده‌هایی که منشأ الهی دارند و ضرورت جامعه بشری هستند ، اگر شور و شعور حسینی در حکومت جهانی به خصوص حکومت و جوامع اسلامی کم رنگ شود ، به لازمه‌ی ظهور منجی بشریت ، یعنی تشکیل و رویش تمدن نوین اسلامی دست پیدا نخواهیم کرد.

و در پایان، این نامه‌ی عهد و پیمان را تقدیم می‌کنیم به ساحت مقدس امیرنامیرای جهان هستی ، به امید گوشه‌چشمی بر ما بندگان کامل القصور؛ برای او ، برای شاهنشاه دین.

محمد مهدی بزرگیان



برای او... برای شاهنشاد دین!

نگاهت تار می شود و تنها
سرخ پرچم است که راه نشان
می دهد...

من که تابه حال ملکوتی ترین
عرش زمین را ندیده ام، از
تصویرسازی خودم می گویم...

به راستی که قطعه ای از بهشت
در قلب عراق جا مانده است...

آنجا که بین الحرمین نام گرفت،
صفا و مروه ای دیگر شد و آنجا که
ضریح شش گوشه ات جلوه گری
می کند، کعبه ای دیگر به رنگ
خون عشق، که طواف جهان را به
تقریر درآورده...

آسمانش به حرمت دریم حرمت،
قرمزپوش است و تربتش در عطش
می سوزد... دست شفا دارد از
دستان بریده عباس و چه زیبا گره
می زند بخشی از وجودت را به
بندبند پنجره فولاد ضریح سقای
تو...

کربلایت زیباست... از گنبد طلایی
ات تا گنبد عباس فاصله ای
نیست اما تاریخ آنجا شهید شد...!
و این است داستان غم انگیز
کربلا!

نویسنده:

فاطمه صفرپور خینعرب

کربلایت را ندیدم اما داستان
عاشورا، مرا در کربلای خون غرق
کرده است...

اینکه آن روز در دشت نینوا چه
گذشت؟ نمی دانم!

آنچه گذشت، همه اش قصه خون
بود!

خون بود که در آن صحرای محشر
جوشید!

تا تو را دید خجل شد، سرخ شد، بر
پیشانی تب دار زمین خوابید...

کربلا را عطر خون بوسید!

خون حسین بن علی (ع) از تیغه
شمشیر بارید...

خون رقصید و غروب کرد، عشق
تابید...

آری... این داستان کربلا بود!
داستانی که تاریخ تابه امروز در
پهنه برگه های کاهی اش، به
تصویر کشیده.

و اکنون داستان قلب من...!
برایت می نویسم از قلبی که
جریحه عشق تو امانش را بریده و
می گویم از...

از چه بگویم؟ از بغض خفته
گلویم که بازیه دست حسرت و
اشک می شود؟ یا شیشه نازک
دلیم که از وحشت دلتنگی، آرام
آرام ترک می خورد؟ یا کاسه لب
پر نگاهم که لبریز از وسعت
انتظار شده است؟

تو بگو از چه بگویم؟
کربلا را ندیده ام تا از اولین تجربه
عشق، داستان نویسی کنم اما آن
هایی که رفته اند، می گویند
وقتی به بین الحرمین معلی می
رسی، آن قدر قطره های شور
چشمانت در دو دیده می دوند و می
چرخند که گویی آن ها از تو به
درم مشتاق ترند...



زنان در واقعه کربلا

ام کلثوم و فاطمه بنت الحسین

علاوه بر ام کلثوم که در کوفه به ایراد سخن پرداخت، فاطمه دختر امام حسین علیه السلام نیز در بازار کوفه خطبه خواند و با مردم سخن گفت و آنان را به اشتباهی که کردند و بدبختی و بیچارگی که به آن گرفتار شدند، توجه داد.

دلهم زن زهیر بن قین بجلی

زن زهیر بن قین بجلی با تشویق شوهر خویش به پیوستن به امام حسین علیه السلام نام خود را در تاریخ پر افتخار برای همیشه ثبت کرد. وقتی فرستاده امام نزد زهیر آمد و او را خواست، دلهم به همسر خود که ابتدا نمی خواست نزد حسین علیه السلام بیاید، گفت: «سبحان الله چه مانعی دارد که نزد وی شرفیاب شوی و سخن او را بشنوی و باز آیی؟» زهیر تحت تأثیر سخنان همسرش نزد امام حسین علیه السلام آمد و آن تحول روحی در او ایجاد شد و سپس از یاران باوفای امام حسین علیه السلام شد. و در کربلا به شهادت رسید.

دامن گذاشت و گفت: «واحسینا فلا نسیت حسینا اقصدته اسنة الاعداء غادوه بکربلاء صریح لاسقی الله جانبی کربلا واحسینا؛ من هرگز فراموش نمی کنم و نخواهم کرد که لشکر کفر با حسین علیه السلام با نیزه ها چه کردند و از یاد نمی برم که جنازه اش را در کربلا روی خاک رها کرده و دفن نکردند، او را تشنه گشتند. خداوند هیچ وقت کربلا را سیراب نسازد.» رباب همسر بزرگوار امام حسین علیه السلام در مجلس ابن زیاد با دو بیت شعر کوتاه مجال تحریف های ناروا را از دست تحریف کنندگان تاریخ گرفت و گفت: «امام حسین علیه السلام مبتلا به سل و سرطان نبود.» (یکی از مستشرقان گفته است امام حسن بر اثر بیماری سل از دنیا رفت. او سینه اش خون ریزی کرد و از دنیا رفت.)

وظیفه جهادگری و مبارزه با دشمن هرچند از دوش زنان برداشته شده بود، اما بعضاً زنان حاضر در صحنه کربلا با حضور در میدان نبرد و مبارزه با دشمن، نام خویش را برای همیشه در تاریخ ثبت کردند. مهم ترین رسالتی که بر عهده این زنان خصوصاً بر عهده حضرت زینب سلام الله علیهم و اهل بیت امام حسین علیه السلام گذاشته شده بود، این بود که حوادث کربلا را برای دیگران بازگو کنند، پیام آن حضرت را به همگان برسانند و تلاش کنند که حادثه کربلا برای همیشه زنده بماند. اسامی تنی چند از آن بانوان گرامی در ذیل آمده است:

رباب همسر امام حسین علیه السلام

رباب در مجلس ابن زیاد وقتی سر مقدس امام حسین علیه السلام را پیش ابن زیاد نهادند از میان زنان برخاست و سر مقدس را بوسید و در



ام و هب

طبری می نویسد: «ام و هب (پس از این که شوهرش به میدان جنگ رفته بود) چماقی برگرفت و سوی شوهر خویش رفت و می گفت: «پدر و مادرم به فدایت! از پاگان، از باقیماندگان محمد دفاع کن.» عبدالله سوی وی آمد که او را پیش زنان ببرد و زن جامه وی را گرفته بود می کشید و می گفت: «باید من هم با تو بمیرم.» حسین (ع) آن زن را نداد و گفت: «خدا شما خاندان را پاداش نیک دهد، ای زن خدایت رحمت آرد، پیش زنان بازگردد و با آن ها بنشین که بر زنان پیکار واجب نیست.» و ام و هب پیش زنان بازگشت.

همسر جناده

همسر جناده بن کعب انصاری که شوهر و فرزندش را تشویق به یاری حسین علیه السلام کرده بود و آن دو در رکاب آن حضرت به شهادت رسیده بودند خود نیز روانه میدان شد. او این گونه رجز می خواند:

«من پیرو زنی ناتوان و شکسته حالم، اما با ضربت خشن و سخت شما را می گویم تا از حریم فرزند فاطمه سلام الله علیه حمایت کنم.» او دو نفر را به قتل رساند امام حسین علیه السلام به او دستور داد برگردد و برای او دعا کرد.

رقیه دختر امام حسین علیه السلام

رقیه دختر سه ساله امام حسین علیه السلام است، که در سفر کربلا همراه اسرای اهل بیت علیهم السلام بوده و در شام، شبی پدر را به خواب دید و پس از بیدار شدن بسیار گریست و بی تابي کرد و پدر را خواست. خبر به یزید رسید. به دستور او سر مطهر امام حسین علیه السلام را نزد او بردند و او از این منظره بیشتر ناراحت و رنجور شد و همان روزها

در خرابه شام (که محل اقامت موقت اهل بیت بود) جان داد.

حضرت زینب سلام الله علیه

1. با توجه به این که امام سجاد علیه السلام در کربلا به شدت مریض بود، بنابراین نمی توانست در جنگ شرکت کند و نیاز به پرستار داشت. حضرت زینب سلام الله علیه پرستاری آن حضرت را بر عهده داشت.

2. حضرت زینب سلام الله علیه با سخنان جان سوز خویش همگان را به گریه می انداخت و تلاش می کرد در هر فرصتی با یادآوری مصائب امام حسین علیه السلام در ماندگاری این حماسه عظیم نقش ایفا کند. شهید مطهری می نویسد: مجلس عزای حسین علیه السلام را برای اولین بار زینب برپا کرد. راوی می گوید: «به خدا قسم زینب دختر علی علیه السلام را فراموش نمی کنم که با صوتی دزین و قلبی شکسته فریاد می کرد ای رسول خدا درود فرشتگان خدا بر تو باد این پیکر عریان حسین است که در خون آغشته است.» در شام نیز حضرت زینب در محله ای به نام دارالحجاره که محل اقامت اسرا بود، مجلس عزاداری برای امام حسین علیه السلام برپا کرد به گونه ای که یزید از حضور اهل بیت علیه السلام در شام احساس خطر کرد و دستور بازگشت آن ها را به مدینه صادر کرد.

3. حضرت زینب سلام الله علیه علاوه بر حفاظت از جان امام سجاد علیه السلام، می بایست از اطفال و فرزندان قافله اسیران نیز محافظت کند. آن بانوی گرامی از همان عصر عاشورا به دستور امام سجاد علیه السلام مامور شد زنان و کودکان آواره را در خیمه ای جمع کند. سعی و تلاش زینب سلام الله علیه در محافظت از اسرا به حدی بود که به لقب «امنیة الله» ملقب شد؛ چرا که اسرا امانت هایی بودند که به دست آن حضرت سپرده شده بود. آن حضرت در مجلس یزید اجازه نداد فاطمه دختر امام حسین علیه

را به کنیزی ببرند و با جدیت جلوی این کار را گرفت. امام سجاد علیه السلام در این سفر در همه امور با زینب مشورت می کرد، چرا که زینب را غمگسار اسیران و پرستار یتیمان می دانست.

به راستی که اگر همت زنان پس از واقعه عاشورا نبود، شاید در زمان حال ما از عاشورا جز اسمی نمی دانستیم. طبق بیان شهید مطهری، تاریخ کربلا یک تاریخ و حادثه مذکر مؤنث است. حادثه ای که مرد و زن هر دو در آن نقش دارند؛ ولی مرد در مدار خودش و زن در مدار خودش.

نویسنده:

امیراسدی

منابع:

- 1- محمد محمدی ری شهری، دانشنامه امام حسین علیه السلام برپایه قرآن، حدیث و تاریخ، ترجمه عبدالهادی مسعودی، ص ۱۰۱، دسترس در سایت حدیث نت
- 2- سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «نقش آفرینی زنان در حادثه کربلا»



مکتب عاشورا؛ با نظر به تأثیر تربیته آن

بدون نزاع و درگیری به بیان حقیقت و راستی بهره گیری کرد از تمام ظرفیت های زبانی بهره جست اما اگر تمامی راه ها برای تبیین بسته شد مبارزه در دستور کار قرار گیرد.

یکی دیگر از آموزه هایی که امام حسین در کربلا به ما می آموزد این است که به اختیار تصمیم گیری و انتخاب دیگران احترام بگذاریم امام حسین در شب آخر بیعت را از افراد خود برمی دارد و به آن ها اجازه را می دهد که اگر می خواهند از خیلی یاران باوفای او جدا شوند. این کار را انجام نکته ای نیز نهفته است که در انتخاب راه درست تعداد مهم نیست مهم است. امام حسین به ما می آموزد در جهاد تبیین رسالت ما بیان واقعیت و حقیقت هاست ما نباید انسان ها را مجبور به عملیات کاری بکنیم، در راه و رسم سید و سالار شهیدان صبر و استقامت بر سختی و مصیبت راه جاودانگی و عزت است. اباعبدالله الحسین و یاران باوفای خود در روز عاشورا و بعد از آن تمامی سختی ها، تشنگی ها، بی درمتهی ها، از دست دادن عزیزان و اسارت خانواده را تحمل کردند و این سختی ها شکایتی نکردند. بنابراین این گونه الگو و مورد تقدیر و تحسین آیندگان و مردم زمان خویش قرار گرفتند و حقانیت خود را اثبات کردند؛ زیرا بعد از پایان واقعه عاشورا و مشاهده این همه صبر و ایثار اصحاب و خاندان امام حسین علیه السلام مردم آن زمان به درستی راه حسین علیه السلام پی بردند و برای آیندگان یک الگو و سیره عملی در راه درست به جای گذاشتند.

تکریم انسان در کربلا روابط انسان ها در برخوردها و رفتارهای اجتماعی تابع دو بینش یا بر مبنای کرامت و یا بر مبنای اهانت قرار می گیرد.

عاشورا بزرگترین، حماسی ترین و آموزنده ترین واقعه تاریخی به شمار می رود. اگرچه عاشورا و مکتب امام حسین درس مبارزه با ظلم تلاش برای تحقق حق و حقیقت را به ما می آموزد اما اگر به منزله یک مکتب انسان ساز به آن نگاه کنیم، در تمام ابعاد و زمینه ها درس آموز و جلوه راه و روش های درست و عقلانی برای هدایت انسان ها به شمار می آید. قبل از واقعه عاشورا برای امام حسین علیه السلام از شهرها نامه می آمد که مردم آن ها حاضر هستند در قیام علیه یزید، امام را همراهی کنند. از میان این شهرها، شهر کوفه بیشترین نامه را برای امام حسین فرستاده بود و از امام درخواست کرده بودند که به کوفه بیاید و آنجا را مرکز قیام علیه یزید و یزیدیان قرار دهد. امام بدون هیچ بررسی و صرفاً به دلیل کثرت نامه های کوفیان به این شهر هجرت نکرد بلکه ابتدا مسلم بن عقیل پسر عموی خویش را به عنوان نماینده خود به این شهر فرستاد تا از صحت نامه ها و گفتار کوفیان مطمئن شود و بعد از دریافت نامه مسلم مبتنی بر همراه بودن مردم شهر کوفه به سمت این شهر حرکت می کند. امام با این حرکت خود به عنوان یک الگو و پیشوا این نکته را به انسان می آموزد که جوانب کارها را سنجش کنند و در کارهای مهم باید تحقیق و بررسی صورت پذیرد.

هنگامی که عمر بن سعد با سپاهش راه را بر امام حسین می بندد، امام تا آخرین لحظه مذاکره با دشمن برای بیان حق و عدم نزاع و جنگ را انجام می دهد و سعی می کند مردمی را که راه خود را گم کرده اند بیدار کند. در مکتب امام حسین از تمامی راه ها و با حداکثر ظرفیت استفاده می شود. باید تا آنجا که می توانیم از راه گفتگو و صحبت و



نکرد تنها در تذکرات افراد عادی نسبت به بعضی از گناهان جزئی خلاصه نمی‌شود بلکه قیام بر ضد حکومت ستمگر و تلاش برای اصلاح ساختار سیاسی جامعه و تشکیل حکومتی بر اساس حق قرآن نیز از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است آنگونه که امام حسین حماسه عاشورایی خود را عبارت «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

پس ما نباید فقط در امر به معروف به تعدادی از گناهان تذکر دهیم، بلکه وقتی می‌بینیم عملی در حال به فساد کشیدن جامعه است یا افراد را از راه خدا غافل می‌کند باید به مبارزه با آن پرداخت و از بیان معروف و توصیب دیگران نهراسیم که امام حسین برای اینکه مردم زمان خود را از تباهی هدایت کند تمام داشته‌های خویش را فدا می‌کند.

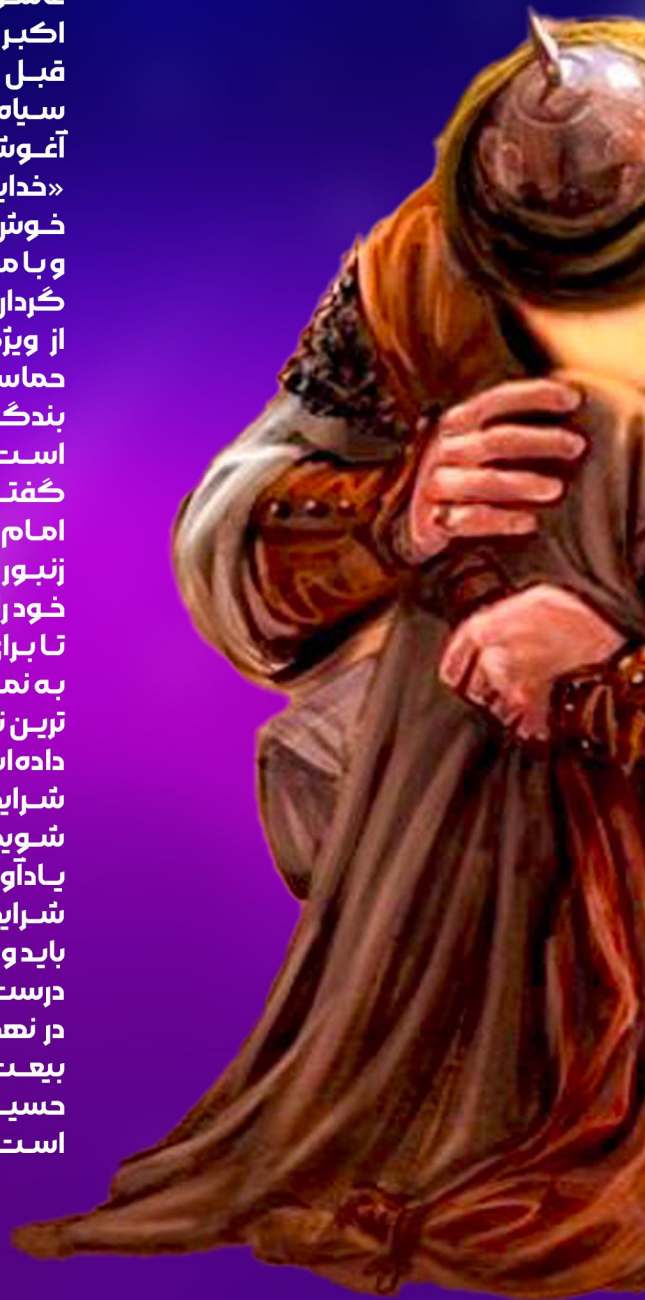
نویسنده:

علیرضا احمدی

امام حسین علیه‌السلام در کربلا به یاران خود کرامت و عزت بخشید و آنان را با وفاترین یاران حق نامید و بین آن‌ها تفاوتی قائل نبود. در روز عاشورا وقتی حر از کرده خویش پشیمان شد، به امام گفت ای فرزند رسول خدا من همان کسی هستم که راه را بر شما گرفتم و شما را وادار کردم، در این مکان فرود آیید اکنون به جانب شما آمدم به درگاه خدا توبه می‌کنم با این که گذشته و سابقه تیره و گناه آلود او را می‌دانست بدون آن که به آن اشاره داشته باشد. با عرض نهادن و تکریم به مقام انسانی توبه‌کننده به رستگاری و عزت امید داد و فرمود: «آری خدا توبه را قبول می‌کند و تو را می‌آمرزد.» در مکتب عاشورا تبعیض ممنوع است، امام حسین در عاشورا همان گونه که سر علی اکبر پسر خویش را بر دامن گرفت قبل از آن هنگام شهادت غلام سیاه سر او را به دامن گرفت و به آغوش کشید و در حقش فرمود: «خدایا او را سپید بوی او را خوش و او را با نیکان محشور کن و با محمد و آل محمد آشنا و معاشر گردان.»

از ویژگی‌های مهم و جاویدان حماسه عاشورا دارا بودن روح تعبد بندگی و عبادت در یاران کربلایی است در توصیف شب عاشورا گفته شده است در آن شب یاران امام حسین زمزمه‌ای مانند زمزمه زنبور عسل داشتند، نماز اول وقت خود را ترک نکرد از دشمن خواست تا برای نماز جنگ را متوقف کند و به نماز ایستاد این نماز امام مهم ترین نکته تربیتی را در دل خود جای داده است که نباید تحت هر شرایطی از الگو بودن خود غافل شویم و وظیفه خود را در هر زمان یادآوری کرد که تحت هر شرایطی و مکانی و هر اتفاقی باید وظیفه و عمل خویش را به نحو درست و احسن انجام دهند.

در نهضت امام حسین امتناع از بیعت با یزید علت مبارزه امام حسین با لشکر عمر بن سعد است. امام در آن زمان علت بیعت



تبلور فرهنگ عاشورا در منظمومه‌ی آموزش

کمرشکن، همه و همه برای یک هدف والا و آن احیای دین الهی و حفظ مکتب الهی است.

شناخت جامع این مکتب و شناساندن صحیح فرهنگ عاشورا به دانش آموزان، زمینه ساز رشد اخلاقی و رویش جوانه های یک شخصیت متعالی در نسل آنان خواهد بود. این حرکت عظیم نیاز به پشتوانه فکری و برنامه ریزی منظم، منطقی و معقولانه دارد. جایگذاری روایت های عاشورایی در متون کتاب درسی، برگزاری برنامه های متنوع فرهنگی و پرورشی در این حوزه، روایت تبیین های عاشورا در مدارس و... از نمونه برنامه هایی است که می تواند در مدارس برگزار گردد.

از دیگر عبرت های عاشورا، ولایت باوری، ولایت پذیری و باورهای پولادین به ولایت در لحظات حساس است. در دنیای کنونی که دنیای انفجار اطلاعات و انتشار انوار ظلمت است پیدا کردن راه صحیح از غلط با نوری غیر از نور هدایت حسین و حرکت کردن در مسیر هدایت با کشتی جز کشتی نجات حسین امکان پذیر نخواهد بود. آموزه های اندرزگونه حادثه عاشورا اگر با بیان تبیینی صحیح برای نسل جوان و خصوصاً دانش آموزان بیان شود زمینه های هدایت و ولایت پذیری آنان را بازتر و روشن تر خواهد نمود.

امید است همکاران فرهنگی و دغدغه مندان خصوصاً دانشجو معلمان پرتحرک و با امید نسل جدید، با برنامه ریزی صحیح، استفاده از دانش و شیوه های نوین تأثیرگذاری بر مخاطب و تلفیق آن با تجربیات و کوله بار اندیشه های متولیان با سابقه آموزش و پرورش بتوانند رسالت اصلی خود را که پرورش همه جانبه نسل آینده و زمامدار کشور است به خوبی انجام دهند و باقیات صالحات خوبی نیز برای خود باقی بگذارند.

نموده است. تحقیقات متنوعی نیز بر رابطه همبستگی میان افزایش تربیت دینی و کاهش آسیب های اجتماعی صده گذاشته است.

مکتب عاشورا و انسان سازی

یکی دیگر از جنبه های تربیت دینی گسترش عبارات و استعاره های اخلاقی و فرا اخلاقی در روند رشد انسان است. در مرحله اول، توصیه های اخلاقی متنوعی مبنی بر رعایت حقوق دیگران، رعایت اصول شهروندی، عدم تضییع بیت المال، توصیه در جهت دعوت دیگران به خیر و نیکی و... که همگی آن ها مصداق هایی از گسترش حوزه حکمرانی اخلاق در سطح فردی، خانوادگی و جامعه دارد.

در سطح دیگری که لقب فرا اخلاقی را برای آن انتخاب نمودم گذر کردن از سطح خودورسیدن به درجه فدا شدن برای دیگران است. سطحی که شاید کمتر در امور اجتماعی، جامعه شناسی و روان شناسی مطرح شده باشد.

«از خود گذشتن برای به او رسیدن» و «از خود بریدن برای وصال» و «از حق خود زدن برای حق جامعه» و... نمونه هایی از رفتارهایی است که در ذیل کلماتی همچون: ایثار، شهادت، از خودگذشتگی و... معنا می شود. در فرهنگ غنی اسلام تمثیل ها و داستان های فراوانی وجود دارد که نقطه اوج آن را می توان در حادثه عظیم عاشورا و مکتب بالنده عاشورا و قیام حضرت اباعبدالله الحسین (ع) مشاهده کرد.

ایثار و جانفشانی امام بزرگ جامعه به همراه 72 تن از یاران ولایی، شهادت اعضای خانواده در میدان جنگ بی عدالتی و به اسارت رفتن اهل بیت عصمت و طهارت و ده ها صحنه تلخ و

یکی از حوزه های آشنایی و شناخت جوامع، بررسی فرهنگ یک جامعه است و یکی از مؤلفه های اصلی هر فرهنگ، نظام تعلیم و تربیت آن جامعه است. تربیت یکی از اصول اساسی و جدایی ناپذیر فرهنگ است که ریشه ی آن را در بسیاری از دستگاه ها از جمله آن ها آموزش و پرورش می توان یافت. تربیت ابعاد متنوعی را شامل می شود که تربیت دینی به عنوان یک رکن وجودی در منظومه ی آموزشی نظام تعلیم و تربیت از جایگاه والایی برخوردار است.

تربیت دینی یعنی عمق بخشی به محتوای دینی و انقلابی موجود در تربیت اعمده ی بسیاری تربیت دینی را افزودن دین و مبانی اسلامی به تربیت می دانند؛ در حالی که دین جوهره ی وجودی تربیت است و اساساً از آن جدا نیست و رسالت تربیت دینی همان عمق بخشی به آن و تعمیق باورهای دینی مذهبی به صورت اصولی در روند شکل گیری تربیت است.

فرهنگ دینی و پیشگیری از آسیب های اجتماعی

دین مبین اسلام با آموزه های مختلف از جمله محرمات و مکروهات عملاً راه ورود انسان به بسترهای آسیب زای مختلف را بسته است و فردی که با اصول تربیت دینی رشد و پرورش یافته باشد، دارای باورهای خودکنترل گرانه در برابر آسیب ها خواهد بود. چنین فردی با حرکت به سوی اعمال مثبت و دوری از رفتارهای پرخطر خود را واکسینه



نویسنده:

پیمان اربابیان

ارمغان فرهنگ عاشورا در نقش آفرینی معلمان

و در پایان معلمان نقش آفرین حسینی پایبند بر عهد خود با امام خمینی رهبر فرزانه انقلاب شهدا و سردار شهید عدالت حاج قاسم سلیمانی هستند و ما در راه مبارزه با امپریالیسم جهانی خواهیم ایستاد و معتقدیم هموار کردن راه ظهور منتقم خون تارالله از اصلاح سیستم آموزشی می گذرد.

نویسنده:

رضا احمدی بنی

دارد معلمان در همه عرصه های اجتماعی با دلسوزی امر به معروف و نهی از منکر نمایند؛ زیرا کشتی انقلاب شکوهمند اسلامی با قدرت امر به معروف می تواند در برابر طوفان های تهاجم فرهنگی به سلامت عبور کند. آزادگی تبلور عزت نفس و کرامت انسانی

حضرت عباس علمدار عزت نفس و آزادگی است. معلمان مکتب عاشورا خواهان احیا عزت نفس و کرامت والا ایشان هستند که در قضیه رتبه بندی با مانورهای رسانه ای به نحوی عمل کردند که حتی خواجه حافظ شیرازی هم از جزییات آن باخبر شد و شأن معلم پایمال شد و در آخر با عدم واریز حقوق ها در شب عید، شرمندگی را به معلمان هدیه دادند. سربازان عشق به علمدار کربلا خواهان اجرا کامل رتبه بندی در چهارچوب حفظ کرامت انسانی خود هستند، این که برای فرار از تأمین معیشت معلم بگویند معلمی شغل نیست عشق است، شالوده شأنیت و ارزش والا تعلیم و تربیت را خدشه دار می کند.

امام حسین بزرگ ترین معلم تاریخ بشریت است. در مکتب عاشورا، همه آزادی خواهان جهان و میراث داران سیره انبیا یعنی معلمان حضور دارند و ارمغان سیاسی و اجتماعی قیام حضرت چنان خورشیدی بر آسمان نقش آفرینی عاشقان حسینی می درخشد.

عدالت طلبی

امام حسین برای اصلاح امتی تارالله شد که مظلومان را در آتش ظلم و بی عدالتی قربانی می کردند. آن ها بندگان تبعیض و جبرگرایی بودند خون سرخ طفل شش ماهه تبلور سرود آزادی و عدالت بود.

این زبنده نیست که در ملت امام حسین هر ساله اقصاری که بیشترین هزینه مالی را انجام می دهند رتبه برتر کنکور شوند و مدارس عادی سهمی در برترین ها نداشته باشد و شایسته نیست که مافیای آموزشی مثل زالو هزاران میلیارد دسترنج مردم شریف ایران را ببلعد و ماحصل آن مدرک های بی ارزش و گسترش آمار بیکاری و پیری جمعیت و فرار مغزها باشد و سکوت در برابر این ظلم که نقض آشکار قانون اساسی ست حکم فرماست.

ارمغان فرهنگ عاشورا در نقش آفرینی معلمان حسینی ایجاب می کند تا در همه ارکان سیستم آموزشی چنانچه بی عدالتی و تبعیض را مشاهده نمودند، در برابر آن سکوت نکرده و به فرموده مقام معظم رهبری آتش به اختیار جهاد تبیین نمایند.

اصلاح امت جدم و امر به معروف و نهی از منکر

اصلاح طلبی محور اصلی قیام ابا عبدالله بود. امروز باید پرچم اصلاح طلبی در سیستم آموزش و پرورش را با اجرا سند تحول بنیادین به احتزاز درآید و همه معلمان مکتب عاشورا خواهان توجه ویژه سران قوا به اجرای سند تحول بنیادین هستند. همچنین ضرورت



فرهنگ عاشورا؛ چیرسته و خرورت تپین مبانہ

رہیافت‌های عمده در تحلیل عاشورا با نگاهی گذرا به آثار تحلیل‌گران واقعی عاشورا آشکار می‌سازد که دست کم دورہیافت عمده در تحقیق و تحلیل این رخداد بی نظیر نقش داشته:

۱. رہیافت کلامی

۲. رہیافت تاریخی

که اولی فلسفه عاشورا و اهداف و اصول و مبانی آن را بررسی می کند که اصول اعتقادی امامت و ویژگی‌های امام از اهمیت ویژه ای برخوردار است و دومی تکیه دارد بر تحلیل جزئیات رخدادہای تاریخی قبل، بعد و مقارن با وقوع حادثہ عاشورا است از این تفاوت اساسی که بگذریم آثار مزبور تقریباً از این جهت اشتراک دارند که نمی‌شد و ما به یکی از این دو توجه کنیم و دیگری را کنار بگذاریم بلکه این دو در ارتباط باهم هستند.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که توجه ما به جنبہ ماورایی نہضت عاشورا از لوازم یک نگارش جامع و واقع گرا بہ آن است و از آنجا کہ حفظ این جنبہ بہ طور الزامی بہ معنای غیر قابل فہم کردن نہضت عاشورا بہ صورت مطلق

نیست.

نویسنده:

زہرا نصر

با شہادت خود و فرزندانش گناہکاران را در برابر عذاب الہی بیمہ کردہ است ہمین پندار سبب شدہ است کہ عده‌ای گمان ببرند ہر کس برای امام حسین علیہ السلام گرہ کند ہر قدر در فساد تباهی غوطہ ور شدہ باشد و حتی نسبت بہ ضروریات دین پایبند نباشد مورد عفو خداوند قرار می‌گیرد.

برخی تحلیل‌های صورت گرفته در مورد عاشورا یک جانبہ و تنہا با نگاہ بہ پارہ‌ای از مسائل تعبیر شدہ است؛ ہمچنین ضرورت می‌یابد بہ واکاوی مبانی معرفتی و تاریخی این واقعہ عظیم براساس واقعیت پردازیم.

عاشورا از دیرباز مظهر عشق بہ خداوند و تسلیم محض در برابر او و سنبُل قیام در راہ دین و آزادی خواہی و شہادت طلبی بودہ است، آنچه از عاشورا برای ما بہ یادگار ماندہ است از چنان عمق و غنایی برخوردار است کہ تا فرجام تاریخ پیام‌آور ارزش‌های والای انسانی و الہام بخش انسان‌های آزادہ و خداجو خواہد بود.

موضوع روضہ عاشورا و پیوند آن با یکی از بزرگ‌ترین حوادث تاریخ اسلام یعنی شہادت مظلومانہ امام حسین علیہ السلام و اصحابش و تلاش بنی امیہ و دشمنان در مبارزہ با آثار آن واقعہ ماندگار اهمیت بررسی دو دست روایات در کتب حدیثی شیعہ در باب صوم عاشورا دوچندان می‌کند.

متأسفانہ بہ علت عدم تأمین مبانی راہبردی و تاریخی مسائل مربوط بہ امام حسین علیہ السلام، کربلا و عاشورا دچار تحریم و خرافات شدہ‌ایم. ہمچنین باید دانست کہ جریان عاشورا و نہضت کربلا سرمایہ بزرگ معرفتی است کہ باید حداکثر استفادہ از آن را کرد و آگاہ بود کہ ضعف ارادہ و آسیب‌پذیری در برابر فریب‌های دشمن کہ چہ نمونہ‌های آن در برہہ‌های مختلف تاریخ آشکار شدہ است حاصل عدم معرفت بہ مبانی تاریخی واقعی عاشورا و چشم بستن بر حوادث آیندہ و مواجہی عرفان‌گرایانہ با واقعہی عاشورا است کہ بعضاً جامعہ را بہ روزمرگی و انفعال دچار کردہ است.

بعضی افراد در برابر

چنین واقعہ

عظیمی باور دارند

کہ امام

حسین

(ع)



حماسه حسینی

وَآتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۖ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۲۷) (سوره مبارکه مائده آیه ۲۷)

و داستان دو فرزند آدم را بحق بر آن ها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند: اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد: (برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «(من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد!

«فَالْمُؤْتَفِقِ فِي خِيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَ الْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ» [نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه 51، ص 138] زندگی این است که بمیرید ولی فائق باشید و مردن این است که زنده باشید ولی توسری خور.

«حسین سرود و نشید انسانیت است و به همین دلیل نظیر ندارد، و به جرأت عرض می کنم که نظیر ندارد. شما در دنیا حماسه ای مانند حماسه حسین بن علی پیدا نخواهید کرد، چه از نظر قدرت و قوت حماسه و چه از نظر علو و ارتفاع و انسانی بودن آن و متأسفانه ما مردم این حماسه را نشناخته ایم.»

این چند خط از کتاب حماسه حسینی نوشته شهید بزرگوار استاد مرتضی مطهری است، آن عالم زمان شناس، فرزند روح الله، فرزند اسلام است. در بالا بودن مقام و عظمت شهید مطهری همین جمله از روح خدا بس است که می گوید: اینجانب به اسلام و اولیای عظیم الشان آن و به ملت اسلام و خصوص ملت مبارز ایران ضایعه اسف انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالی مقام مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی مطهری - قدس سره - را تسلیت و تبریک عرض می نمایم.

تسلیت به اسلام!

کتاب حماسه ی حسینی در دو جلد است که ابعاد مختلف وجودی سیدالشهدا، جنبه های قیام آن حضرت، چگونگی تبلیغ در نهضت حسینی و... در این کتاب آمده است. اکنون بخشی اندک از این کتاب را خدمت شما عزیزان ارائه می کنیم:

«آیا تاریخچه عاشورا فقط رثاء است؟ فقط مصیبت است و چیز دیگری نیست؟ در صفحه ی دیگر عاشورا دیگر جنایت نیست، تراژدی نیست، بلکه حماسه است، افتخار و نورانیت است، تجلی حقیقت و انسانیت است، تجلی حق پرستی است.

چرا باید حادثه ی کربلا را همیشه از نظر صفحه سیاهش مطالعه کنیم و چرا باید همیشه جنایت های کربلا گفته شود؟ چرا همیشه باید حسین بن علی از آن جنبه ای که وارد جنایت جانیان است مورد مطالعه ما قرار بگیرد؟ چرا شعارهایی که به نام حسین بن علی می دهیم و می نویسیم، از صفحه تاریک عاشورا گرفته شود؟ چرا ما صفحه نورانی این داستان را کمتر مطالعه می کنیم، در حالی که جنبه حماسی این داستان صد برابر بر جنبه جنایی آن می چربد و نورانیت این بر تاریکی آن خیلی می چربد.

پس باید اعتراف کنیم که یکی از جانی های بر حسین بن علی ما هستیم که از این تاریخچه فقط یک صفحه اش را می خوانیم و صفحه دیگرش را نمی خوانیم. جانی های بر امام حسین آن هایی هستند که این تاریخچه را از نظر هدف منحرف کرده و می کنند، حسین که فقط این تن نیست، حسین که مثل من و شما نیست؛ حسین یک مکتب است و بعد از مرگش زنده تر می شود. حضرت زینب (س): «برادر من زندگی اش طور دیگر است، او نمرده بلکه زنده تر شد.» (بحار الانوار، ج ۴۵/ ص ۱۳۵)

اول باید قهرمان بودن امام حسین برای شما مشخص شود و بعد رثای قهرمان بگیرید، وگرنه رثای یک آدم نغله شده بیچاره بی دست و پای مظلوم که دیگر گریه ندارد و گریه ملتی برای او معنی ندارد. در رثای قهرمان بگیرید برای این که احساسات قهرمانی پیدا کنید، برای این که پرتوی از روح قهرمان در روح شما پیدا شود و شما هم تا اندازه ای نسبت به حق و حقیقت غیرت پیدا کنید، شما هم عدالت خواه بشوید، شما هم با ظلم و ظالم نبرد کنید، شما هم آزادی خواه باشید، برای آزادی احترام قائل باشید، شما هم سرتان بشود که عزت نفس یعنی چه، شرف و انسانیت یعنی چه، کرامت یعنی چه.

رهبر معظم انقلاب اسلامی: «مردم نسبت به اصل حادثه عاشورا، معرفت روشن تر و واضح تری پیدا کنند. موضوع سخنرانی، باید حضار آن مجلس را به این فکر فرو ببرد که: "ما به این مجلس آمديم و گريه اي هم كرديم؛ اما براي چه؟ قضيه چه بود؟ چرا بايد براي امام حسين گريه كرد؟ اصلا چرا امام حسين به كربلا آمد و عاشورا را به وجود آورد؟"»



اگر شهادت حسین بن علی صرفاً یک جریان حزن آور می بود، اگر صرفاً یک مصیبت می بود، اگر صرفاً این می بود که خونی به ناحق ریخته شده است و به تعبیر دیگر صرفاً نفلہ شدن یک شخصیت می بود و او شخصیت بسیار بزرگی، هرگز چنین آثاری را به دنبال خود نمی آورد. شهادت حسین بن علی از آن جهت این آثار را به دنبال خود آورد که - به تعبیری که عرض کردیم - نهضت او یک حماسه بزرگ اسلامی و الهی بود؛ از این جهت که این داستان و تاریخچه، تنها یک مصیبت و یک جنایت و ستمگری از طرف عده ای جنایتگر و ستمگر نبود، بلکه یک قهرمانی بسیار بسیار بزرگ از طرف همان کسی بود که جنایت ها را بر او وارد کردند.

شهادت حسین بن علی حیات تازه ای در عالم اسلام دمید، اثر و خاصیت یک سخن یا تاریخچه و یا شخصیت حماسی این است که در روح موج به وجود می آورد؛ در بدن ها، خون ها را به حرکت و جوشش در می آورد و تنها از رخوت و سستی خارج می کند و جابک و چالاک می نماید. پس این که می گویند حسین بن علی چه کرد و چطور شد که دین اسلام زنده شد، جوابش همین است که حسین به علی روح تازه دمید، خون ها را به جوش آورد، غیرت ها را تحریک کرد، عشق و ایده آل به مردم داد، حس استغنا در مردم به وجود آورد، درس صبر و تحمل و بردباری و مقاومت و ایستادگی در مقابل شداید به مردم داده ترس را ریخت همان مردمی که تا آن مقدار می ترسیدند، تبدیل به یک عده مردم شجاع و دلور شدند.

شما در این روز عاشورا و تاسوعا که تمام کارهایتان را تعطیل می کنید و می آید در مساجد جمع می شوید، دسته راه می اندازید، سینه می زنید، زنجیر می زنید، داد می کشید، فریاد می کشید، چه می خواهید بگویند؟ حرفتان چیست؟ باید بتوانید بگویند ما در همان

چیست. اباعبدالله نیامد فقط بجنگد تا کشته شود و حرفش را نزند. حرف خودش را زده است، هدف و مقصد خودش را مشخص کرده است. باید دید شعارهای حسین بن علی در روز عاشورا چیست. یکی از اشعاری که اباعبدالله در روز عاشورا می خواند و آن را شعار خودش قرار داده بود، این شعر بود (مخصوصاً یک مصراع آن):

«الْمَوْتُ أُولَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ
وَالْعَارُ أُولَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ» [مقتل
الحسین مقرر، ص 345]
«نزد من، مرگ از ننگ ذلت و پستی بهتر و عزیزتر و محبوب تر است.» اسم این شعار را باید گذاشت شعار آزادی، شعار عزت، شعار شرافت؛ یعنی برای یک مسلمان واقعی، مرگ همیشه سزاوارتر است از زیر بار ننگ ذلت رفتن. مردم دنیا! بدانید اگر حسین حاضر است که تا آخرین قطره خون خود و جوانانش ریخته شود، برای چیست.

نوحه سرایی و سینه زنی و زنجیرزنی، من با همه اینها موافقم ولی به شرط این که شعارها شعارهای حسینی باشد، نه شعارهای من درآوردی: «نوجوان اکبر من، نوجوان اکبر من» شعار حسینی نیست. شعارهای حسینی شعارهایی است که از این قبیل باشد؛ فریاد می کند: «الَّا تَرَوْنَ اَنَّ الْحَقَّ لَا يَفْعَلُ بِهٖ وَ اَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهٰی عَنْهٗ؟ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَآءِ اللّٰهِ مُحَقَّقًا» [بحار الانوار، ج 44 / ص 381] مردم! نمی بینید که به حق عمل نمی شود و کسی از باطل رویگردان نیست؟ در چنین شرایطی، مؤمن (نگفت حسین یا امام) باید لقاء پروردگارش را بر چنین زندگی ای ترجیح بدهد. و یا: «لَا اَرَى الْمَوْتَ اِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيٰوةَ مَعَ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا بَرَمًا» [بحار الانوار، ج 44 / ص 381] (هر جمله اش سزاوار است که با آب طلا نوشته شود و در همه دنیا پخش گردد، و این باز هم کم است) من مرگ را جز خوشبختی

نمی بینم، من زندگی با ستمکاران را جز ملالت و خستگی نمی بینم. ائمه اطهار از این جهت گفتند عاشورا زنده بماند که این مکتب زنده بماند؛ برای این که اگرچه شخص حسین بن علی نیست ولی حسین بن علی باید به قول امروز یک سمبل باشد، به صورت یک نیرو زنده باشد؛ حسین اگر خودش نیست هر سال محرم که طلوع می کند، یک مرتبه مردم از تمام فضا بشنوند: «الَّا تَرَوْنَ اَنَّ الْحَقَّ لَا يَفْعَلُ بِهٖ وَ اَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهٰی عَنْهٗ؟ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَآءِ اللّٰهِ مُحَقَّقًا»؛ برای این که از راستی و حقیقت، شور حیات، شور امر به معروف، شور نهی از منکر، شور اصلاح مفاسد امور مسلمین، در میان مردم شیعه پیدا بشود.



جگرمان حال می آید، شوقی به مجلس روضه داریم. بعدیک زخم بهش می خورد متلاشی می شویم.

تصور ما این است از کربلا که بعد از اباعبدالله الحسین کی از همه شجاع تر بود؟ عباس، ابالفضل العباس. روضه های ابالفضل العباس را ببین شلوغ تر است. چون کیف ما از او بیشتر است. حقیقت ماجرا این است که اصلاً اصل خوشحالی انسانی از وصف خداست، از وصف زیبایی های خداست. از وصف زیبایی های اولیاء خداست.

مدح علی بن ابیطالب بگو خوشحال شویم. مدح امام حسین بگو، این روضه ها خیلی هایش مدح است. ای حسین که با عزت ایستادی! اگر این مدح ها تویش نبود که خوشحال کننده است هیچ کس نمی رفت جلسه ماتم.

نویسنده:

حسین موسوی نیکو

این فلسفه عاشورا است، نه گناه کردن و بعد به نام حسین بن علی بخشیده شدن! گناه کنیم، بعد در مجلسی شرکت کنیم و بگوییم خوب دیگر گناهانمان بخشیده شد. گناه آن وقت بخشیده می شود که روح ما پیوندی با روح حسین بن علی بخورد؛ اگر پیوند بخورد، گناهان ما قطعاً بخشیده می شود ولی علامت بخشیده شدنش این است که دومرتبه، دیگر دنبال آن گناه نمی رویم. اما این که از مجلس حسین بن علی بیرون برویم و دومرتبه دنبال آن گناهان برویم، نشانه این است که روح ما با روح حسین بن علی پیوند نخورده است.»

این است فرهنگ عاشورا از نگاه شهید والا مقام استاد مرتضی مطهری.

بارالها ما را از آن دسته جانیان بر حسین که شهید مطهری آنان را توصیف کرد قرار مده. پروردگارا به ما عنایت کن که روح ما با روح حسین بن علی پیوند بخورد.

در آخر شما را دعوت می کنم که آخرین بخش از این نوشته را بخوانید: «چرا از روضه لذت می بریم؟»

کسی زخم به دستش بزنند به بدنش بزنند این کیف دارد؟ این همه روضه بخوان دلم شاد بشود، دلم باز بشود. آقا من کتک خوردن یک کسی را بگویم این شادی دارد؟ نه، شادی ای تویش دارد. تویش یک شادی هست حسین ایستاد، عزتمندانه ایستاد، در نرفت. تویش یک شادی هست حسین ایستاد!

عظمت امام حسین را در عین تحمل مظلومیت می بینی. آن عظمت تو را نگه می دارد. آن عظمت امام حسین را شما بردار. یک آدم خیلی خوبی، هی فرار بکند هی بزنندش. این اصلاً این هیچ کس دیگر او را برایش گریه نمی کند. ما از بس دوستش داریم، از بس نامش می شنویم خوشحال می شویم، از بس می توانیم بهش افتخار بکنیم، از بس وقتی مدحش را می گویم

پس اگر از ما بپرسند شما در روز عاشورا که دائماً حسین حسین می کنید و به سر خودتان میزنید، چه می خواهید بگویید؟ باید بگوییم: ما می خواهیم حرف آقایمان را بگوییم، ما هر سال می خواهیم تجدید حیات کنیم (یا ایها الذین امنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یخیکم). باید بگوییم عاشورا روز تجدید حیات ماست. در این روز می خواهیم در کوثر حسینی شستشو کنیم، تجدید حیات کنیم، روح خودمان را شستشو بدهیم، خودمان را زنده کنیم، از نو مبادی و مبانی اسلام را بیاموزیم، روح اسلام را از نو به خودمان تزریق کنیم. ما نمی خواهیم حس امر به معروف و نهی از منکر، احساس شهادت، احساس جهاد، احساس فداکاری در راه حق، در ما فراموش بشود؛ نمی خواهیم روح فداکاری در راه حق در ما بمیرد.



به بابا، ویژه کودکان کربلا

قلب سرخم را به سوی تو
به پرواز در می آورم
می آیم تا کنج شش گوشه ات
آنجا که تا آسمان و ملکوت
یک چشم بر هم زدن راه است...
می آیم تا در آغوش ضریحت عشق
را پیدا کنم...
امام حسین (ع) امام پاکی
هاست. مگر می شود جملات
زیبا درباره امام حسین شنید و
اشک از چشم جاری نشود. عزای
محرم تا ابد بر دل تاریخ خواهد بود
چند دقیقه پیش داشتیم از طریق
اینترنت زیارت می کردم اربابمو...
دل شکسته...

اومدم توی دنیا آقا، دلمو دست تو
دادم....
عشقت مهر، مادر زادم
شکرُ الله...
همه عمرمو پیش تو موندم و آقا
روی پای
تو افتادم....
آغوش تو...
شده خونهی امنی برای همه این
بی تابی ها...
کاشکی می شد...
که به شب شده حتی تو خواب
تورو من ببینم، آقا
هرچی دارم...
به خدا همشو، به تو و به
ابالفضل مدیونم...
تا چون دارم...
پای پرچم و هیات و عشق تو
همیشه می مونم....
آقام... آقام...
هنوز شوق تو بارانی از غزل دارد
نسیم یک سبذ آینه در بغل دارد
خوشا به حال خیالی که در حرم
مانده
و هرچه خاطره دارد از آن محل دارد
به یاد چایی شیرین کربلایی ها
لبم حلاوت «احلی من العسل»
دارد
چه ساختار قشنگی شکسته
است خدا
درون قالب شش گوشه یک غزل
دارد
بگو چه شد که من اینقدر
دوستت دارم؟
بگو محبت ما ریشه در ازل دارد
غلامتان به من آموخت در میانه
خون
که روسپاهی ما نیز راه حل دارد
می دانی!...
همان جا که در آخرین بند زندگیت
فرمودی:
بسم الله و بالله...
من از این دورها
از پشت فرسنگ ها فاصله

آه از دوری، آه از دوری
هر شب هستم...
حرم تو ولی می بینم، که دوباره
خوابم انگار...
وای از تکرار...
من می ترسم...
بعیرم، نبینم، حرم تورو، از این غم
می میرم
بی تو اما...
خواب می دیدم...
که به پای ضریح تو، اشکای نم
نم بارون میشه...
من تو رؤیام...
می دیدم که دلم توی صحن تو
آقا مهمون میشه
خواب می دیدم...
من و اشک و حرم تا سحر می
مونیم تنهای تنها
من میگفتم، همه درد دلامو کنار
ضریحت با تو آقا
آقام... آقام
دوست دارم، دوست دارم
کاری کردی...
تو با این دل خسته، که تا نفسی
هست از داغ تو
خون می بارم... تو رؤیاهام...
می بینم، که میامو روی قدمای
تو آقا چون
سر میذارم....
من دلتنگم...
برای نیمه شبای حرم دمیوون، باز
بی تابم
هر شب آقا...
به امید زیارت تو، توی رویاهام می
خوابم...
من دلتنگم...
شب و روزمو فکر حرم می دونی
پُر کرده آقا...
کاری کن تا
دل عاشق و خسته ی من حرمت
برگرده آقا....
آقام... آقام...
عاشق هستم، عاشق هستم
از روزی که...

او همان است که پامنبری و
سینه زن است
او همان است که در هروله ها
گفت: حرم
دل به دریا زده و بار سفر را بسته با
تعجب پدرش گفت گجا گفت:
حرم

نویسنده:

ابوالفضل فلاح

دارم اشک می ریزم و می نویسم.
می بینی ارباب...
مگه ما دل نداریم؟
مگه نگفتی هر کی کربلا بیاد
دلشو آروم می کنی؟
پس چرا دل ما رو و بیرون کردی؟
دوست دارم به خدا اندازه تموم
عالم. نه دوست داشتن تو که حد
و اندازه ناره اشتباه کردم.
امشب که همه دارن به جوری
خودشون رو مشغول دنیا می کند
منم جایی رو نداشتم جز در خونه تو
ارباب جونم...
پس کی منو دوباره می
طلبی؟ من که دارم دیونه میشم
آقا جونم...
یادش بخیر...
باب القبله...
حسین منی و انا من حسین...
ضریح ارباب...
چسبیدن به ضریح چه صفایی
داره...
انگار به تموم خواسته هام
رسیده بودم...
اما الان از فراقتم دارم دق می
کنم...
نمی دونم دیگه چی بگم ولی...
تمام حرفام رو تو بضم نگه
میدارم و...
فقط اشک می ریزم
گوش کن باز کسی بین دعا
گفت: حرم
ناامید از همه و از همه جا گفتم:
حرم
توی آئینه سر و وضع خودش را تا
دید
گله ای کرد از این حال و هوا
گفت: حرم
شاه را کرد تجسم و به پایش افتاد
مثل هر بار فقط باز گدا گفتم:
حرم
او مریض است مریض غم بین
الحرمین
شصت و نه بار به لب پهر شفا
گفت: حرم
و نمازی که به یاد حرمت می
شکند
بس که در رکعت خود جای دعا
گفت: حرم

مرد تریپ زن

سخنان او بود همچون الماس
برنده و درخشان، برنده برای
دشمنان و درخشان برای مومنان.
بازینب بود که ماند باقی عاشورا،
فرورفت ریشه‌های قیام در خاک،
رسید شاخه‌های آن به آفاق و داد
میوه‌ی عشق به عشاق.
یازینب! تو بودی یاور برادری که
هست الگوی عالمی.

نویسنده:

زهرآزاد منجیری

خواهر اگر اشک در چشم برادرش
بیند دلش خون می‌شود. وای بر
دل زینب که خون حسین را ریخته
بر زمین دید، وای بر دل زینب که
دیگر آسمان دلش قمر نداشت و
دیگر قمر بنی هاشم نبود که
آسمان دلش را نورانی کند. حال
دیگر در آسمان دل زینب، فقط
ابرها می‌باریدند.
زینب را کردند درغل و زنجیر،
همانانی که بودند در بند دنیا
اسیر. همانانی که رحم نکردند
به طفل صغیر، اما او ماند چونان
کوه استوار و شدند دشمنان
در محضرش سست و خوار، زینب
رساند پیام کربلا را به همه گان
و شدند خجل در نزد او مردمان.

در میان غوغای شمشیرها و باران
تیرها در گوشه‌ای ایستاده بود،
می‌دانست این آخرین دقایقی
است که برادرش را می‌بیند. برادر
برای خواهر خیلی عزیز است؛ آن
هم برادری چون حسین که برای
زینب تنها برادر نبود، بلکه پیشوا
و رهبر بود. زینب شاهد تنهایی
حسین بود، می‌دید مردمانی را که
به او وعده یاری داده بودند و حال در
مقابل او صف کشیده‌اند. آنان
که ادعای مسلمانان داشتند اما
به سر پسر رسول خدا هم رحم
نکردند، همانانی که
مهرهایشان پای دعوت‌نامه حسین
بود و شمشیرهایشان روبه
لشکر حسین.



من حسینم می‌مانم

مشتق عاشورا را برای کودکم می‌گویم
درس وفاداری عباس را برای دانش‌آموزم
وراه امام را برای خود در پیش می‌گیرم
من حسینی می‌مانم
در نوحه و عزاداری‌هایش جانانه
شرکت می‌کنم
با منکر راهش دشمنی می‌ورزم
و با عاشق حسین دوستی می‌نمایم
من حسینی می‌مانم
با اشک، خود را از گناه پاک می‌کنم
به راه سیدالشهدا نزدیک می‌شوم
و دم می‌زنم: آقا من یار مهدی
موعودت خواهم شد
من حسینی می‌مانم
چشم به راه یوسف زهرا می‌نشینم
هر جمعه دعای ندبه را به یادش می‌خوانم
و هر هفته پیش از پیش منتظر
ظهورش می‌مانم

من حسینی می‌مانم
با چشمی که بر گناه بسته می‌شود
با مویی که از نامحرم پوشیده می‌شود
و با دستی که به یاری مظلومی می‌شتابد
من حسینی می‌مانم
اشک بر مظلومیت رقیه خاتون می‌ریزم
به دست‌های بریده شده عباس می‌اندیشم
و برای تن‌های کوبیده شده با سم اسب خون می‌گیرم
من حسینی می‌مانم
دیگری را به معروف امر می‌کنم
کسی را از منکر باز می‌دارم
و راه زینب سلام الله علیه را در پیش می‌گیرم
من حسینی می‌مانم
بالباسی که به خاطر ماتم قاسم سیاه است
با چشمی که به خاطر طفل شش ماه گریان است
و با بغضی که هر دم به یاد جوان کربلا در گلویم می‌نشیند
من حسینی می‌مانم

نویسنده:

فاطمه ماهرانی



بررسی چهره امام حسین علیه السلام در مقالات و علوم مختلف دینیه



روایات حضرت بانمک‌تر از حضرت یوسف علیه‌السلام بود. پیشانی حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله درخشان بود که توجه دیگران را جلب می‌کرد. در روایات ایشان را چنین توصیف کرده‌است: «پیشانی‌اش بلند و کمی به جلو متمایل بود چون چراغی درخشان توجّه همگان را جلب می‌نمود.» در مورد موهای سر مبارک حضرت می‌فرماید که: «موی سر حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله نه حالت دار بود و نه لخت و افتاده، موهایش تا نرمه گوش می‌رسید، چون شانه می‌شد، بسان دانه‌های شن (ازهم جدا) بود. اُم‌هانی می‌گوید: «دیدم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله موهایی خود را به صورت چهار گیسو بافته بود. اعضا و اندام معتدل داشت، شکم آن حضرت با سینه‌اش مساوی بود؛ کف دست مبارکش فراخ و هم چون کف دست عطاران خوشبو و معطر، همچنین کلفت و محکم بود؛ مچ‌های دستانشان پهن و ساعدهای کشیده داشت.

یکی دیگر از مطالب منتشر شده در این زمینه ماجرای از چگونگی ترسیم تصویر امام حسین علیه السلام توسط یک نقاش مسیحی و نگهداری این تصویر در موزه لوور پاریس است. و حدیثی که در زیر آن آورده شده.

در این حدیث جعلی از قول امام حسین علیه‌السلام این‌طور آورده شده‌است: «ما از تبار قریش هستیم و هواخواهان ما عرب و دشمنان ما ایرانی‌ها هستند. روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر است و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است. ایرانی‌ها را باید دستگیر کرد و به مدینه آورد، زنانشان را بفروش رسانید و مردانشان را به بردگی و غلامی گماشت.» این روایت کاملاً جعلی بوده و دروغی است که به اهل بیت علیه‌السلام

شماایل امام حسین علیه‌السلام آن حضرت سفیدچهره بود و هرگاه در جایی می‌نشست که در آن تاریکی بود، با سفیدی زیبایی و گردنش، آنجا روشن می‌گشت. و دیگری می‌گوید: «جمالی عظیم داشت و نور درخشنده‌ای در پیشانی و گونه‌هایش بود که اطرافش را در شب تاریک، روشن می‌ساخت و شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. گفته شده: «آز ناف تا پاهایش، شبیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود.» در بیش‌تر منابع حدیثی و تاریخی و رجالی که از شباهت حسین بن علی به پیامبر اکرم سخن گفته شده و در یک روایت، امام حسین شبیه‌ترین فرد به پیامبر وصف شده‌است. امام حسین علیه‌السلام سپید چهره بودند و گاه عمامه‌ای از خز و گاه عمامه‌ای سیاه بر سر می‌گذاشتند در خصوص شباهت ایشان به پیامبر در روایات متعدد می‌توان به سخنی از محمد بن ضحاک که او را توصیف نموده اشاره کرد: «بدن حسین، شبیه بدن پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود.»

همچنین حضرت امام علی علیه السلام فرمود: «هرکس دوست دارد که به شبیه‌ترین مردم به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ما بین گردن و دهان آن حضرت بنگرد، به حسن نگاه کند و هرکس دوست دارد که به شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از گردن تا قوزک پا نگاه کند، از نظر خلقت و رنگ، به حسین بن علی بنگرد...» (طبرانی، المعجم الکبیر 3: 98)

به همین علت ما به بررسی برخی خصوصیات ظاهری پیامبر در روایات نقل شده می‌پردازیم.

چهره مبارکش گرد بود؛ بر لب پائین و گونه راست حضرت خال سیاهی نقش بسته بود. طبق

که دیدن دانستن ظاهر ائمه اطهار چندان دارای اهمیت نیست چیزی که سفارش و توصیه زیادی به آن شده عمل به سیرت و آشنایی با کردار حضرت هست.

نویسنده:

مهتا خلیلی

منابع:

- ابن هشام، سیره ابن هشام، ترجمه رسولی محلاتی، انتشارات کتابچی تهران، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۴۳۶
- طبرانی، المعجم الکبیر ۱۲۳:۳ از کتابهای کپی شده کتابخانه عمومی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام.
- (۲) المنمق فی اخبار قریش، ص ۴۲۴. مقریزی، خطط ۲: ۲۸۵. الافادة من تاریخ الائمة السادة، از کتابهای کپی شده کتابخانه عمومی امام حکیم.
- (۳) طبرانی، المعجم الکبیر ۹۸:۳.
- (۴) الافادة فی تاریخ الائمة السادة.
- (۵) علی دره حنفی، محاضرات الاوائل و الاواخر، ص ۷۱

منتسب شده است. همچنین پیش از این نیز منسوب کردن تصاویر و نقاشی ها به اهل بیت علیه السلام از سوی مراجع تقلید بدون اعتبار و بدون سند بودن عنوان شده است. در این خصوص گفت و گویی داشتیم با حجت الاسلام و المسلمین علی سعیدیان کارشناس مذهبی. حجت الاسلام و المسلمین سعیدیان با تأکید بر این که روایت فوق روایتی جعلی است که در کتب ما نیامده است، اظهار داشت: «حتی روایتی شبیه به این را نیز نداریم، این روایت اصلاً وجود ندارد در روایات دیگر داریم که ایشان شباهت زیادی نیز به حضرت فاطمه زهرا س دارند».

المناقب از امام حسن علیه السلام: «حسین بن علی علیه السلام، شبیه ترین مردم به فاطمه علیها السلام است و من، شبیه ترین مردم به خدیجه کبرا هستم و همچنین شبیه ترین فرد به حضرت موسی». الکافی به نقل از عبدالملک بن بشیر، از امام کاظم علیه السلام: «امام حسن علیه السلام از سرتا ناف، شبیه ترین مردم به موسی بن عمران علیه السلام بود و حسین علیه السلام از ناف تا پا، شبیه ترین مردم به موسی بن عمران علیه السلام بود».

دلائل الإمامة: امام حسین علیه السلام، دو انگشت داشت. نگین یکی عقیق بود با این نقش: «خداوند، کار خود را به انجام رسانده است» و بر انگشت دیگرش که روز شهادتش از دستش بیرون آوردند، چنین نوشته بود: «ذکر لا إله إلا الله، ساز و برگ دیدار با خداست». هر کس انگشت هایی مانند آن دو به دست کند، جز (نگه دارنده) او در برابر شیطان هستند.

همان طور که از روایات مشخص ایشان به ظاهر و رنگ کردم مو و معطر بودن اهمیت زیادی می دادند در احادیث زیادی آورده شده



عکس قدیمی از عاشورا در عصر قاجار

شرق شناسانی به نام‌های «ارنست امیل هرتسفلد» و «اریک ماتسون» در سال‌های دور به پژوهش و تهیه عکس‌های تاریخی از حرم امام علی (ع) و امام حسین (ع) در نجف و کربلا پرداختند.





عزاداری مردم اردبیل در دوره قاجار



میدان امیرنخای نو ۱۳۰۸

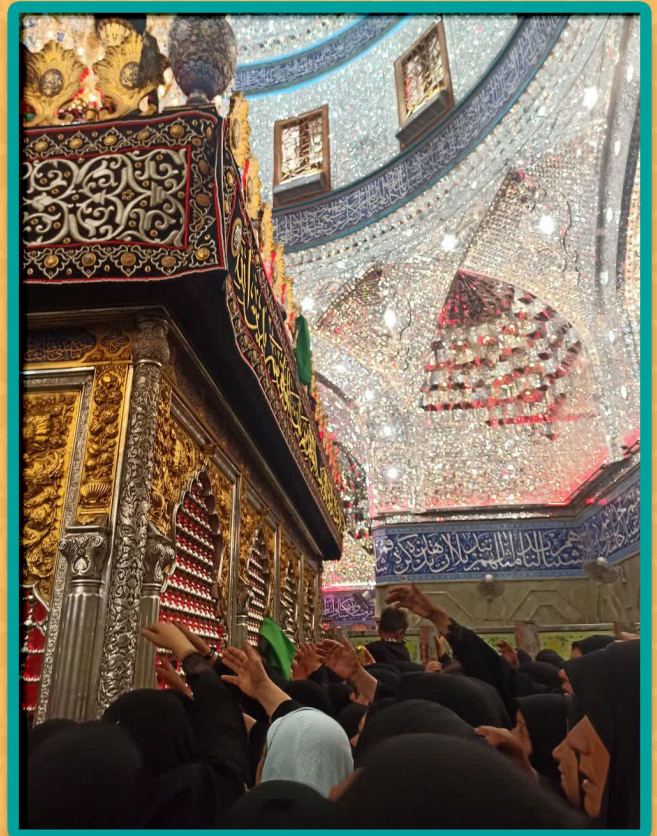


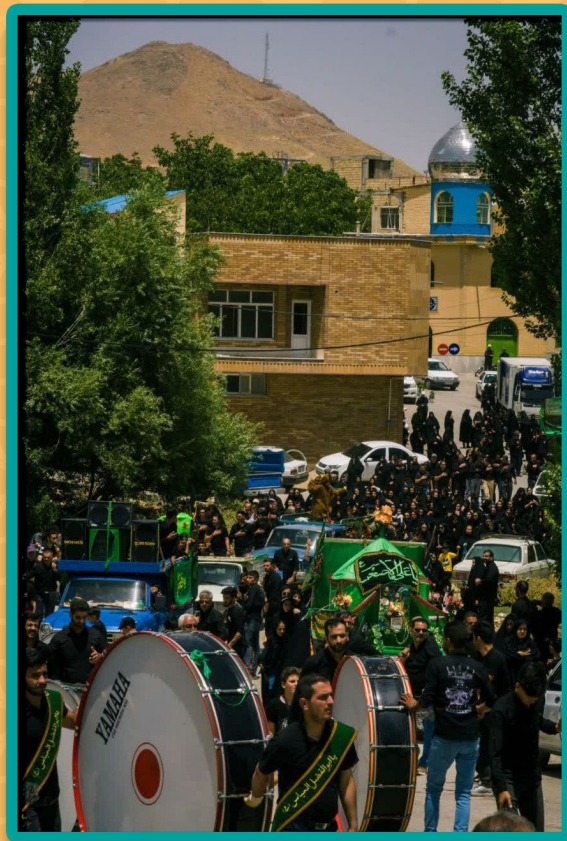
عکس قدیمی عزاداری محرم ۱۳۵۲ کبودراهنگ

گردآورنده:

فاطمه ابن علی

عکس ها میگویند





عکاسان:

الهه خادم حضرتي وزهرا هاشمي نژاد

بررسی جنبه های سیاسی عزاداری

این گونه آگاهی بخشی می نماید:

«شما انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا؛ نه سیدالشهدا احتیاج به این گریه دارد و نه این گریه خودش فی النفسه یک کاری از آن می آید. لکن این مجلس ها مردم را همچو مجتمع می کنند و یک وجهه می دهند 35 میلیون جمعیت در ماه محرم و خصوصاً دهه عاشورا یک وجهه طرف یک راه می روند. اینها را در این ماه محرم خطبا و علما در سرتاسر کشور می تواند بسیج کند برای یک مسأله. این جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه های دیگری است که هست.

حضرت امام خمینی (ره) عزاداری سیاسی را دیگر بار به ادبیات سیاسی شیعه بازگرداند و بیداری و تحرکی آفرید که نقش بزرگی در پیشبرد نهضت شکوهمند اسلامی ایفا نمود و موجب گشت آثار این نوع عزاداری که در واقع همین یک نوع عزاداری مورد قبول و پذیرش اسلام است و با انگیزه اصلی ائمه اطهار (ع) از بنیان نهادن آن انطباق دارد - در صحنه ها و عرصه های فعالیت های سیاسی وارد شود و به طور ملموس به مشاهده درآید و راه های هر نوع توجیه و حمایت های بی پایه و اساس درباره عزاداری های سطحی و آمیخته با تحریف و خرافه را مسدود سازد.

حضرت امام خمینی درباره فلسفه و انگیزه عزاداری و گریه بر مظلومیت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و این که ائمه دین (ع) به منظور حفظ اقتدار و عظمت اسلام و مسلمانان در برابر دشمنان دین بزرگداشت درگت مقدس کربلا و تداوم حضور در صحنه های فعالیت های اجتماعی و سیاسی را ضروری می دانستند و به همین دلیل عزاداری سیاسی را در تحقق این هدف وضع نمودند

مجلس عزانه برای این است که برای سیدالشهدا گریه کنند و اجر ببرند - البته این هم هست و دیگران را اجر اخروی نصیب کند - بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه مادر صدر اسلام نقشه اش را کشیده اند که تا آخر باشد و آن، این است که اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده و هیچ چیز نمی تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهدا در او تأثیر دارد، تأثیر بکند. (صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۳۴۶)

در نگرش به جامعیت سیاست در اسلام «عزاداری سیاسی» یکی از ابعاد موضوعی آن به شمار می رود، همچنان که «اخلاق سیاسی» جنبه و جلوه ای دیگرند این جامعیت است و همچنین است «نماز سیاسی» و «حج سیاسی». عزاداری سیاسی را ائمه اطهار (ع) بنیان نهادند و شیعیان را به انجام آن در تمام اعصار و زمان ها ترغیب کردند؛ لکن متأسفانه این موضوع مهم و حیاتی به مرور مغفول و فراموش گردید و علت اصلی آن نگرش ظاهری برخی از افراد و گروه ها به عزاداری و غفلت از شناخت فلسفه اصلی آن و بسنده کردن به سطح و بازماندن از عمق است.

در کنار این غفلت رنج از تحریکات مرموز و پنهان حکومت های بنی امیه و بنی عباس و پس از آن حکومت های ضدشیعه تداوم یافته در بستر زمان از دیروز تا امروز، عامل مهم دیگری در مغفول ماندن عزاداری سیاسی است؛ زیرا این حکومت ها عزاداری سیاسی را به نفع خود نمی دیدند و ارکان حاکمیت ظالمانه خویش را در اثر تحقق آن متزلزل می یافتند و به همین دلیل کوشیدند تا آن را از درون تهی سازند و از آثار سیاسی آن جلوگیری کنند و به این کار توفیق حاصل نمودند.



بی خود بعضی از ائمه ما نمی
فرمایند که برای من در منابر روضه
بخوانند، بی خود نمی‌گویند ائمه
ما به این که هر کس که
بگیرد بگیراند یا صورت گریه
کردن به خودش بگیرد اجرش
فلان و فلان است. مسأله، مسأله
گریه نیست؛ مسأله، مسأله
تباکی نیست؛ مسأله، مسأله
سیاسی است که ائمه ما با
همان دید الهی که داشتند می
خواستند که این ملت‌ها را با
هم بسیج کنند و یک‌پارچه کنند
از راه‌های مختلف این را یک‌پارچه
کنند تا آسیب‌پذیر نباشند.»

اصل «عزاداری برای عزاداری» یا
«گریه برای گریه» از بنیان و
اساس فاقد اعتبار است، هیچ اثر و
ثمری بر این نوع عزاداری‌ها و گریه
ها مترتب نخواهد بود. آنچه در
نگاه شرع مقدس اسلام و ائمه
دین (ع) معتبر و ارزشمند است
عزاداری برای بسیج اجتماعی و
سیاسی به منظور تداوم راه امام
حسین (ع) در همه اعصار و زمان‌ها
و مقابله و مبارزه با ظلم و جور و
فساد و تباهی و نظام‌های معاند
و ملحد و مخالف با اسلام و سیره و
روش ائمه دین (ع) است.

نویسنده:

مهرداد دهقانی فیروزآبادی



چرا رحلت پیامبر؟ چرا وفات یا شهادت پیامبر نه؟

شاید یکی از مباحث بحث برانگیز و ناتمام تاریخ اسلام بحث شهادت یا رحلت پیامبر گرامی اسلام باشد، موضوعی که در سالیان متمادی افرادی را به آن واداشت تا در مکتوبات و آثار خود با منابع و دیدگاه‌هایی که اتخاذ کرده بودند گرهی از این موضوع باز کنند. مورخان و دانشمندان دو مکتب در اسلام تشیع و اهل سنت هر کدام تبیینی از این ماجرا داشته‌اند که با وجود دیدگاه‌های متفاوت گاهی نتایج مشابه داشته‌اند البته این اختلاف که حتی در بین صاحب نظران هر کدام از این دو مکتب وجود دارد، متأثر از همین آسیب‌های تاریخی است، آسیب‌هایی که خود نشأت گرفته از رخدادهای پرابهام و یا عدم شفافیت لازم در این دست مسائل است. اینجا است که قضاوت درباره آن‌ها دشوار است.

تاریخ زندگی پیامبر گرامی اسلام نیز با وجود اهتمام ویژه مسلمین در ضبط و ثبت و نگارش رخدادهای مهم دوران زندگانی آن حضرت از این قاعده مستثنا نیست؛ آنچه مورخان در سایر موارد نیز بر سر اختلافند اما بهتر است قبل از سفر به دل تاریخ و بررسی اجمالی منابع شیعی و سنی معنای لغوی رحلت را بررسی کنیم.

رحلت در لغت‌نامه دهخدا به هجرت، روانه شدن و راهی شدن تعبیر شده؛ مشابه همین معنا را در فرهنگ جامع معین کوچیدن و کوچ کردن می‌یابیم اما مسأله ما در اینجا به کارگیری واژه رحلت به معنای وفات است، وفاتی که به تعبیر عامه مرگ طبیعی است که در تقابل با شهادت است.

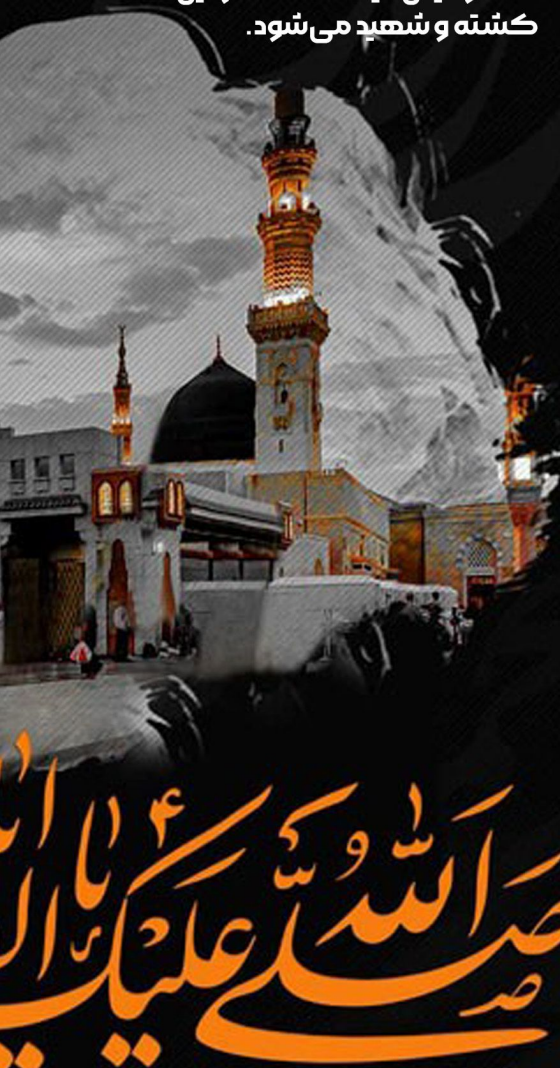
سؤال در اینجا است: پیامبر اسلام سر سلسله شجره طایفه ائمه معصومین با شهادت در محضر رب العالمین مدبر امور امت‌هایند، آیا مسأله وفات یا شهادت پیامبر تأثیر و خللی بر شخصیت ملکوتی

ایشان دارد؟ ریشه این اختلافات را باید در قرن هفتم هجری جستجو کنیم درست پس از جنگ خیبر! به روایت شیخ طبرسی پیامبر اسلام چنانچه از فتح قلعه‌های خیبر فراغت یافتند زینب دختر حارث بن سلام، دختر برادر مرحب - پهلوان نامدار یهود - که به دست امیرالمؤمنین در این جنگ به هلاکت رسیده بود، گوسفند بریانی نزد پیامبر هدیه آورد؛ هدیه‌ای که از پیش پرس و جو کرده بود که پیامبر کدام عضو گوسفند را بیشتر رغبت می‌فرماید پس زهر بسیاری را در همان قسمت به کار برد و سایر اعضای آن گوسفند را نیز مسموم گردانید چون به نزد حضرت آورد حضرت از قسمت دست آن لقمه‌ای برداشت و در دهان گذاشت حضرت دست کشید و فرمود دست مگذارید بر این گوسفند که زراع آن مرا خبر می‌دهد که آن را به زهر آلوده‌اند. پس از گذشت سالیان زمانی که پیامبر در بستر بیماریشان که منجر به شهادتشان شد به مادر بشر - از یاران پیامبر که در این ماجرا مسموم گشت و به شهادت رسید - فرمود از روزی که خوردم آن لقمه را با فرزند تو در خیبر هر سال طفیان می‌کرد و مرا رنجور می‌ساخت؛ پس مسلمین گفتند پیغمبر نیز شهید شده. (حیات القلوب باب ۳۹ جلد ۴ صفحه ۱۱۳۳ مجمع البیان ۵/۱۲۲، ر.ک: ۲۶۴-۱۴/۲۶۳)

این ماجرا را محمد بن عمر واقدی در کتاب خود مغازی نیز طبری در تاریخ خود و ابن اسیر در ارکاملو فی التاریخ و یعقوبی نیز بدون بیان شهادت حضرت صرفاً به مسمومیت ایشان اشاره می‌کند. نگاه قرآن کریم در باب امکان شهادت پیامبر اسلام که در نظر برخی محال می‌نماید، بدین گونه است: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ

قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ و محمد جز فرستاده‌ای از سوی خدا که پیش از او هم فرستادگانی [آمده و] گذشته‌اند، نیست. پس آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، [ایمان و عمل صالح را ترک می‌کنید و] به روش گذشتگان و نیاکان خود برمی‌گردید؟ و هرکس به روش گذشتگان خود برگردد، هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند؛ و یقیناً خدا سپاس‌گزاران را پاداش می‌دهد.»

در منابع شیعی، شیخ مفید بیان می‌دارد ایشان در ۲۸ سفر دهم هجری در سن ۶۳ سالگی در مدینه منوره مسموم و به شهادت رسید و یا در کتاب امالی شیخ طوسی از امام رضا علیه السلام نقل شده: والله ما منا مقتول او شهید از ما معصومین نیست مگر این که کشته و شهید می‌شود.



السیره النبویه بیهقی نیز از زبان عبدالله بن مسعود بیان می‌دارد: اگر نه بار قسم بخورم که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله کشته شده، برای من بهتر است از این که یک بار قسم بخورم که او کشته نشده است و این به خاطر آن است که خداوند او را نبی گردانید و او را شهید کرد.» المستدرک الوسائل حاکم نیشابوری و صحیح بخاری هم به این موضوع اشاره دارند.

از برخی متون دیگر استفاده می‌شود که مسمومیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در جنگ خیبر علت اساسی برای مرگ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نبوده است، از این رو به طور قاطع نمی‌توان گفت حضرت شهید شده است؛ زیرا مسمومیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در سال هفتم هجری بوده، ولی رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در سال ۱۱ هجری اتفاق افتاده و این فاصله زمانی حکایت از آن دارد که مسمومیت عامل اصلی رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نبوده است.

اگر مسمومیت علت اصلی رحلت پیامبر بود، باید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از مسمومیت از دنیا می‌رفت. از سوی دیگر آن‌گاه می‌توان چیزی را به ساحت مقدس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت داد که شبهه و ابهام نداشته باشد. از این رو نمی‌توان گفت که پیامبر شهید شده است؛ زیرا که در استناد رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مسمومیت قطعی نیست.

در پایان جمله‌ای از جعفر البیاتی، پژوهشگر مسلمان معاصر را نقل می‌کنیم: فضیلت شهادت بر حتمیت بهره‌مندی انسان‌های بزرگ از آن دلالتی ندارد؛ چرا که در باره بسیاری از پیامبران بزرگ الهی کسی ادعای شهادت نکرده است.

جلال العیون علامه مجلسی نیز آورده که در احادیث معتبر وارد شده است آن حضرت به شهادت از دنیا رفته. مرحوم ثقه الاسلام کلینی صاحب کتاب ارزشمند اصول کافی نیز به اصل توطئه از قول امام باقر علیه‌السلام اشاره می‌کند. علاوه بر کتبی که ذکر شد شیخ طوسی در تهذیب الاحکام و نیز مرحوم علامه حلی در کتاب المنتهی بر مسمومیت ایشان اذعان دارند. مشابه همین مسئله را می‌توان در کتب اهل سنت نیز جستجو کرد: «احمد بن حنبل در مسند خود بر مسمومیت پیامبر تصریح می‌دارد سنن دائمی نیز روایت می‌کند که پیامبر در بیماری منجر به رحلتشان خطاب به همسرشان عایشه فرمودند: من همواره درد ناشی از غذای مسمومی را که در خیبر تناول نموده‌ام، در بدنم احساس می‌کردم و اکنون گویا وقت آن فرا رسیده که آن سم، مرا از پای درآورد.



نویسنده:

علی اسکندری انالوجه



اربعین حسینی و شکوفایی نهضت اسلامی ایران

پیاده روی اربعین و کوله پستی با تصویر امام خمینی

قیام جهانی سالار شهیدان، حسین بن علی علیه السلام هرگز یک حرکت اعتراضی محدود به زمان و مکان نیست، بلکه معرّقی کامل برای مدل فکری-فرهنگی مکتب اسلام است. ضرورت اقامه حق و عدل و ستیزی امان با سردمداران ظلم و جور از عمیق ترین تعالیم دین آسمانی اسلام و مکتب قرآن است که امام حسین علیه السلام در امتداد شعاع نبوت جد گرامی خود، جریان نهضت کربلا را در برابر یزید بن معاویه با شعار (مُتْلِی لا یُبَایِعُ مُتْلِی) (بهار الانوار/ج ۴/ص ۳۲۵) از دایره زمان و زمین خارج و آن را برای تمام دوران حیات بشری جاودانه نمود.

حضرت امام خمینی (ره) به عنوان یکی از برجسته ترین شاگردان مکتب عاشورا با دریافتی صحیح از مکتب حسینی، بنای انقلابی را معماری نمود که با سرنگونی طاغوت عصر، به استقرار حکومت اسلامی منطبق بر معارف والای قرآن و عترت انجامید. تنها با گذری در اعلامیه ها و سخنرانی های روشنگرانه آن رهبر الهی در طول دوران مبارزه، می توان به خوبی دریافت که ایشان جای جای نهضت خویش را به مکتب سرخ عاشورا گره زده و عینیت سخنان، نامه ها و مناظرات حضرت سیدالشهدا علیه السلام در مجموعه گفتار و نوشتار امام در طول نهضت کاملاً ملموس است.

انقلاب اسلامی مردم ایران، در امتداد نهضت کربلا

حضرت امام (ره) در سیزدهم تیر ماه سال ۵۸ و در حالی که حدود پنج ماه از پیروزی انقلاب

سپری شده، در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه در شهر مقدس قم، با اشاره به فلسفه قیام سالار شهیدان علیه السلام در احیای مکتب اسلام؛ انقلاب اسلامی مردم ایران را در امتداد نهضت کربلا دانستند و با مردود دانستن پرهیز از خطر کردن در راه بقای اسلام، گفته اند:

«در گشتن حضرت سیدالشهدا هیچ اشکال نبود برای این که مکتب را داشتند آن ها از بین می بردند، و شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید شد، مکتب اسلام زنده شد؛ و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد و سیدالشهدا هم چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوده میکنند، با اسم خلافت اسلام خلافتی میکنند و ظلم میکنند و این منعکس می شود در دنیا که خلیفه رسول الله دارد این کارها را میکند، حضرت سیدالشهدا تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند؛

و محو کنند آثار معاویه و پسرش را. پس گشتن شهادت سیدالشهدا چیزی نبود که برای اسلام ضرر داشته باشد؛ بلکه نفع داشت برای اسلام، اسلام را زنده کرد. اگر ما هم همه در این نهضتی که کرده بودیم، در این راهی که داشتیم میرفتیم برای مبارزه و معارضا، کشته میشدیم، آن هم اشکال نداشت؛ برای این که ما هم راهمان را رفته بودیم؛ کشته شده بودیم در راه اسلام. اسلام در خطر نبود؛

«اسلام زنده تر میشد.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص: ۱۴۲۰)

عظمت اربعین حسین از منظر امامان معصوم علیه السلام

برای گرامی داشت یک متوفای همه ملل و آئین ها مراسم بزرگداشتی را با کیفیت های گوناگون در همان سال درگذشت منعقد می کنند و شیعیان نیز رسم چهلم را برای امامان معصوم علیه السلام و درگذشتگان خود برپا می دارند. اما هیچ گاه این گونه مراسم در سال های بعد تکرار نمی گردد و حداکثر به یک سالگرد اکتفا می شود؛ تنها برای انسان کاملی که با خون پاک خود و عزیزانش اسلام را از خطر نابودی حتمی نجات داد، تا روز قیامت (اربعین) خواهد بود و همه ساله این گرامی داشت جدای از مراسم سوگواری عاشورای آن حضرت مورد توجه بزرگان دین و عموم مومنین است. نیک می دانیم حرکت جهانی حسین بن علی علیه السلام اختصاصات فراوانی را به همراه داشت که قطعاً یکی از آنها «اربعین» آن حضرت است.

امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین که به تعبیر نورانی امام حسن عسکری علیه السلام از علامات ایمان محسوب می شود (ر.ک) تهنیت

الاحکام/ج ۴/ص ۵۲):

دلیل ایثار عظیم جد بزرگوارش در صحنه قیام کربلا را نجات دادن مردم می دانستند که در حال غرق شدن در دریای متلاطم جهالت و گمراهی بودند و شعاع این نجات بخشی را متوجه عموم جهان بشریت بدون در نظر گرفتن قوم، نژاد و مذهب عنوان نمودند. (و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجاهله و حیره الضالاه) (تهذیب الاحکام/ج ۴/ص ۱۱۳).

اربعین تیر خلاص به قلب ستمشاهی

حضرت امام خمینی (ره) در بحبوحه نهضت اسلامی با فرارسیدن اربعین حسینی و در



عاشورا و اربعین، وسیله تقویت انگیزه وحدت در امت

حضرت امام خمینی (ره) در تحلیل دیگری در جمع اقشار مختلف مردم در روز بیست و پنجم آخر ماه سال ۱۳۶۰، ضمن یادآوری ضرورت (وحدت کلمه) امت مسلمان که از کلید واژه‌های مهم ایشان در دوران رهبری محسوب می‌شود، مناسب‌هایی نظیر عاشورا و اربعین را باعث تقویت انگیزه وحدت بر می‌شمرد و با تأکید بر پرهیز مسلمانان از تفرقه می‌فرماید:

«ما از دست آمریکا نباید خیلی گله کنیم و لوازم الفساد اوست، لکن از کشورهای اسلامی و از حکومت‌های اسلامی باید شکوه کنیم و فریاد بزنیم. اسلام این قدر برای اجتماع و برای وحدت کلمه، هم تبلیغ کرده است و هم عمل؛ یعنی روزهایی را پیش آورده است که با خود این روزها و انگیزه این روزها تحکیم وحدت می‌شود مثل عاشورا و اربعین. و قرآن کریم پافشاری دارد در این مطلب که متفرق نباشند مردم، مسلمین از هم، و یک‌واحد باشند و معتصم به «حبل الله» باشند. آمریکا باید به حسب آن تزی که دارد و آنکه اختلاف بین مسلمین بیندازد و بهر هب‌داری کند و همه حیثیت مسلمین را و دارایی مسلمین را و ذخایر مسلمین را بچابد و مسلمین را به حال مصرف گرانه‌گه دارد.» (صحیفه امام، ج ۱۵/ص ۴۳۱ و ۴۳۲)

امید است مجالس سوگواری اربعین حسینی ضمن تقویت روحیه معنوی مردم، باعث رشد فرهنگ اجتماعی کشور بر مدار اندیشه تابناک حضرت سیدالشهداء علیه السلام گردد و همواره ندای حق طلبی و ظلم‌ستیزی آن حضرت در گوش جهانیان طنین‌انداز شود و روح تابناک امام راحل (ره) که بزرگ قهرمان به عینیت بخشیدن فرهنگ سرخ عاشورا در قرن معاصر محسوب می‌شود با مولای عاشورائیان محشور باشد.

آخرین میخ را بر تابوت جنازه دودمان پهلوی کوبیدند. سیل جمعیت حاضر در راهپیمایی اربعین به حدی بود که روزنامه کیهان در تیتراژ اول خود از این راهپیمایی با عنوان «عظیم‌ترین راهپیمایی مذهبی و سیاسی تاریخ» نام برد. (روزنامه کیهان، شنبه، ۳۰ دی ۱۳۵۸، ص ۱)

در جریان این روز تاریخ‌ساز؛ روحیه نظامیان، به خصوص پرسنل شهربانی به گونه‌ای متزلزل بود که حتی سپهبد جعفری به تلخی اعتراف کرد: «عده‌ای از سرپاسبان‌ها و پاسبان‌ها علاوه بر گزارش کتبی به‌طور شفاهی هم صریحاً اظهار می‌کنند که ما مسلمان و مقلد آیت‌الله خمینی هستیم و نمی‌توانیم برخلاف اوامر و دستورات آیت‌الله رفتار کنیم.» (عباس قره‌باغی، اعترافات ژنرال، تهران: نی، ص ۲۰۳)

تقدیر امام (ره) از لشکر اربعینی ملت ایران

زعیم عالی‌قدر ملت انقلابی ایران پس از این راهپیمایی تاریخ‌ساز در روز سی‌ام دی ۱۳۵۷ از محل تبعید خود خطاب به لشکر اربعینی ملت ایران پیامی صادر فرمودند:

«سلام بی‌پایان و درود بی‌حده عموم اهالی غیور ایران؛ ملت شریف و شجاعی که با وحدت کلمه، خواست خود را که برچیده شدن نظام شاهنشاهی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی است، در اربعین امام امت - سلام الله علیه - برای چندمین بار اعلام نمود. نهضت مقدس اسلامی شما گرچه با خون پاک شهیدان و مصیبت‌های جانگداز توأم بود لکن آزادی خواهی و استقلال طلبی شما در جبین تاریخ ثبت شد. دشمن اساسی خود و کشور خود را از صحنه بیرون رانید، و بزرگ‌ترین خائن و جانی کشور را در گورستان تاریخ دفن نمودید. شما با قیام و استقامت خود به ملت‌های مستضعف ثابت کردید که اسلحه‌های مدرن و قدرت‌های شیطانی نمیتوانند در مقابل خواست ملتی که برای دفاع از عقیده و حق خود دلاورانه به پا خاسته است دوام داشته باشند؛ و نیز ثابت کردید که قدرت ملتی آگاه، بر تمامی سلاح‌های ابر قدرت‌ها پیروز است.» (صحیفه امام، ج ۵/ص ۵۰۵)

مقطع حساس روزهای پایانی دی ماه سال ۱۳۵۷ که منجر به فرار شاه معدوم از کشور و روی کار آمدن دولت بختیار و ورود ژنرال‌هایز برای جلوگیری از سقوط ارتش شاهنشاهی به ایران بود؛ این رخداد بزرگ تاریخ اسلام را وقت شلیک تیر خلاص به قلب فاسد یزدیان زمان قرار دادند و بیست و پنجم دی ماه پنجاه و هفت با صدور پیام مهمی از نوفل لوشاتو خطاب به مردم ایران، آنان را به راهپیمایی گسترده بر علیه حکومت فاسد پهلوی دعوت نمودند:

«اربعین سید مظلومان و سرور شهیدان - صلوات الله و سلامه علیه - رسید. بر ملت رشید و آگاه ما (اربعین)‌های سودمندی گذشت. ما در این سال‌ها به دنبال بیش از پنجاه سال سلطنت غاصبانه سلسله پهلوی با چه مصیبت‌هایی و بی‌فرهنگی‌های خانمان سوزی مواجه بوده‌ایم. سال‌هایی بس تلخ و رنج‌آور در این پنجاه سال و تلخ‌تر و رنج‌آورتر در این یکی دو سال اخیر که ملت شجاع ما را علیه استبداد و استعمار به حرکت درآورد.

امسال اربعین امام امت در خلال اربعین‌های پیروان و شیعیان آن بزرگ‌مرد اسلام واقع شده و گویی خون شهیدان ما امتداد خون پاک شهیدان کربلاست، و اربعین اخیر برادران ما بازتاب اربعین آن دلاوران است؛ خون طاهر آنان به حکومت طاغوتی یزید خاتمه داد، و خون پاک اینان سلطنت طاغوتی را به هم پیچید. اربعین امسال استثنایی و نمونه است؛ راهپیمایی و تظاهرات پرشور در این اربعین وظیفه شرعی و ملی است.

ملت بزرگ در سراسر ایران با راهپیمایی و تظاهرات خود این نظام را دفن میکند، و مخالفت خود را با «شورای سلطنت»

غیر قانونی اعلام مینماید و پشتیبانی خود را برای چندمین بار از (جمهوری اسلامی) اعلام میکند.» (صحیفه امام، ج ۵/ص ۴۷۷)

به دنبال پیام دعوت رهبر عالی‌قدر نهضت و بیانیه جامعه روحانیت مبارز، مردم انقلابی ایران یکی از زین‌ترین اوراق کتاب انقلاب خود را ثبت نموده و با تاسی از مکتب نورانی حسینی در اربعین شهادت آن سرور آزادگی،

نویسنده:

حسن شام‌رادی



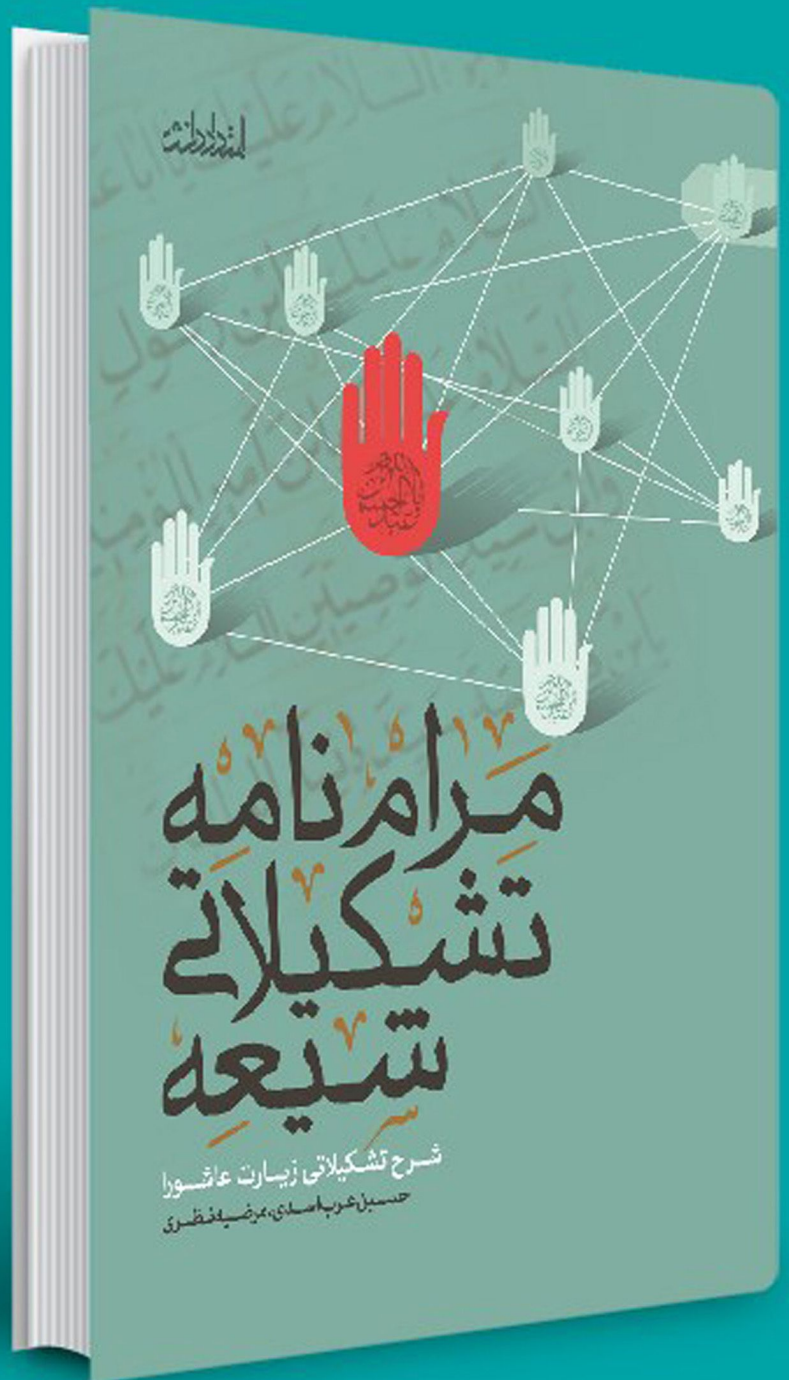
معرفه کتاب مرام نامه تشکیلاتی شیعه

بسم الله الرحمن الرحيم
انا الى الله الراغبون
زیارت عاشورا، از لنز تشکیلات
هشدار، کربلا این گونه بود؛
دیوانی از تشکیلات...
تمام تفاسیری که از زیارت عاشورا
خوانده اید را، پس ذهن خود نگه
دارید؛ این دفعه با متفاوت ترین
تحلیل از این زیارت آشنا می شوید.
کتاب مرام نامه تشکیلاتی
شیعه، با تحلیل فراز به فراز این
زیارت عظیم الشان، یک دریچه
مشترک معنایی بین تمام
شیعیان در اقسام نقاط مختلف
این کره خاکی ایجاد می کند
که واقعه کربلا و انس با زیارت
عاشورا در میان مؤمنین را به عنوان
مستندی غنی از عناصر تشکیلات
محورانه از جمله: اهمیت ولایت
پذیری، شیوه عزاداری و نقش آن در
فرهنگ اسلامی، نگاه فرا متن
به فرازها و عمل به زیارت بیان می
کند.

خلاصه آن که، در هیاهوی شور
های بدون شعور و شعارهای
بدون حضور، مرام نامه تشکیلاتی
شیعیان، نقشه راه حسینی شدن و
حسینی ماندن است؛ هشدار
برای اهل کوفه نشدن و پشت
حسین زمانه ماندن است...

نویسنده:

پریسا گیلانی



نامه دعوت

با مرگ معاویه و به قدرت رسیدن یزید، ظلم و بی عدالتی ها از آن هم فراتر رفت و به حد اعلام رسید؛ از این رو امام حسین (ع) با استناد به فرمایش پیامبر خدا (ص)، مبنی بر عدم جواز سکوت در برابر ظلم ظالمان و جائران، قیام کرده و این انقلاب را تا شهادت ادامه می دهند، تا همه جهانیان بدانند حکومت یزید، حکومت پیامبر (ص) نیست و تازه مسلمانی که تعداد آنها در گوشه و کنار جهان روبه افزایش بود بفهمند اسلام حقیقی چیزی نیست که بنی امیه و یزید آن را ترویج می کنند و این کار امام حسین (ع) بسیار حائز اهمیت و ارزشمند بود.

نویسنده:

فاطمه کاظمی اسفه

منبع:

(۱) ارشاد مفید، ص 380-381

(۲) بحار الانوار، ج 44، ص 38

(۳) کتاب عاشورا، ص ۱۳۴

(۴) ابن ابی الحدید در شرح نهج

البلاغه اش، ج 11، ص 44 به بعد.

این نامه ظاهراً خطاب به مردم کوفه بود، اما در حقیقت مخاطب آن، همه انسان های آزاده جهان هستند. در این نامه پیام رسول الله (ص) در مبارزه با ظلم و ستم و بی عدالتی بیان می شود. حضرت اباعبدالله (ع) در نامه مذکور همه را به همکاری در مبارزه با تبعیض های نامشروع و ظلم و ستم های آشکار و گسترده بنی امیه دعوت می کنند. این تبعیض ها از زمان خلیفه سوم شروع شد که یک نمونه آن فرقی گذاشتن بین عرب و عجم بود. در آن زمان، عرب را به صرف عرب بودن (نه به خاطر ایمان بیشتر و تقوای فزون تر) بر غیر عرب ترجیح می دادند، و البته سنگ زیربنای آن در عصر خلیفه دوم گذاشته شد. در حالی که پیامبر اسلام (ص) فرموده بود: «نه عرب بر غیر عرب برتری دارد و نه غیر عرب بر عرب، نه سیاه پوست بر سرخ پوست و نه سرخ پوست بر سیاه پوست، مگر به تقوای الهی». (2)

ظلم و ستم در زمان خلیفه سوم به اوج خود رسید. بیت المال به دست افراد خاصی از بنی امیه افتاد، پست ها و مقام ها بدون صلاحیت و شایستگی در میان بنی امیه تقسیم شد و همین ظلم ها، سبب شورش و انقلاب مردم بر ضد دستگاه خلافت گردید. حضرت علی (ع) بارها با عثمان تماس گرفتند و وی را نصیحت کرده، و او را از پیامدهای خطرناکی که کارهایش در پی داشت آگاه ساختند. اما عثمان به نصایح حضرت توجهی نکرد و همچنان به راه خود ادامه داد و شد آنچه نباید می شد. (3)

در عصر معاویه اوضاع بدتر شد. هیچ کس نمی تواند انکار کند که معاویه برای خریدن افراد ضعیف الایمان و پراکندن اصحاب رسول الله (ص) از اطراف جانشین برحق و بلافاصله علی (ع) چه پول های هنگفتی که هزینه نکرد! آیا ظلمی بالاتر از این می توان متصور شد که از بیت المال مسلمین پول های هنگفتی

وجه عدالت خواهی امام حسین (ع) سومین پیشوای شیعیان جهان، در همه ابعاد زندگی آن امام همام، جاری بوده و ایشان در تمام مراحل عمر خود، آن را به مورد اجرا گذاشته اند. سیر و سلوک و آموزه های امام حسین (ع) در خصوص عدالت، نه تنها برای دوره خود بلکه در همه ادوار، دارای پیام های ارزنده و بی بدیل است و به همین دلیل قیام امام حسین (ع) همواره با شور و حرارت خاصی گرامی داشته می شود.

مفهوم عظیم عدالت در زندگی امام حسین (ع) از ابعاد مختلف، قابل اعتنا است. عدالت، به بیان نورانی خود حضرت، به عنوان یکی از اهداف قیام حسینی نقش پررنگی دارد. امام حسین (ع) در نامه ای که به مردم کوفه می نویسد، می فرماید: «به نام خداوند بخشنده مهربان؛ از حسین بن علی (علیه السلام)، به بزرگان مؤمنان و مسلمانان!»

هانی و سعید همراه نامه هایتان به سوی من آمدند - و این دو تن آخرین کسانی بودند که نامه هایتان را آوردند - محتوای همه نامه هایتان (به طور فشرده) این بود که: «امام و پیشوایی نداریم، به سوی ما بیا! امید است که خداوند به وسیله تو ما را بر محور حق و هدایت گرد آورد». اکنون من، برادر، پسرعمو و شخص مورد اعتماد از خاندانم - مسلم بن عقیل - را به سوی شما می فرستم؛ به او فرمان دادم که تصمیم و برنامه ها و افکار تان را برای من بنویسد. اگر نوشت که بزرگان، اندیشمندان و خردمندان شما، با آنچه در نامه هایتان بود همراه و هماهنگ اند؛ به زودی به سوی شما خواهیم آمد ان شاء الله.

در پایان نامه نوشت: «به جانم سوگند! امام و پیشوا فقط کسی است که به کتاب خدا عمل کند و عدل و داد را بر پا دارد، دین حق را پذیرفته، و خود را وقف در راه خدا کند و والسلام». (1)



خطبه امام حسین (ع) در سرزمین منا

این خطبه، یک یا دو سال قبل از عاشورا در سرزمین منا حین مراسم حج بیان شد؛ هنگامی که معاویه، 20 سال حکومت را در دست داشت و درصدد بیعت کردن با یزید بود. همچنین مردم تسلیم معاویه بودند و متأسفانه دو سال بعد نیز، تسلیم یزید شدند. امام حسین (ع) با دعوت خصوصی، 200 نفر از اصحاب پیامبر و 800 نفر از تابعین را در زیر خیمه ای در منا جمع کردند و به کسانی که در جلسه حضور داشتند گفتند: «بشنوید، بنویسید و وقتی به شهرهایتان بازگشتید پیام مرا به کسانی که مورد اطمینانتان هستند برسانید.»

این خطبه، سه بخش دارد که حضرت در یک بخش فضایل امیرالمؤمنان را بیان فرمودند و چهارده بار مردم را به خدا قسم دادند؛ امام روی این بخش تأکید کردند که بگویند: «کسی که این همه علیه او تبلیغ شد و در همه ی منابر به او دشنام می دادند، این صفات را داشت و اشتباه معرفی شده بود.» امام، پدرشان را جانشین پیامبر معرفی کردند و به مردم گفتند که مسیر را اشتباه رفته اند و این مسیر اشتباه، شما را به اینجا رسانده که تسلیم معاویه شدید.

بخش دوم وظایفی است که مخاطبان، یعنی بزرگان عالم اسلام دارند و انجام ندادند که قرآن کریم تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر بر عهده همه مسلمانان قرار داده است. حضرت، خطر سهل انگاری این قضیه را گوشزد می کنند تا مسلمانان بدانند اگر به امر به معروف و نهی از منکر بی توجهی کنند، قطعاً سرنوشت شومی در انتظار خواهند داشت.

امام (ع)، سرنوشت علمای یهود را به یاد آن ها می آورد

که طبق آیات قرآن لعن شدند؛ زیرا ستم حاکمان بنی اسرائیل را می دیدند ولی آن ها را نهی از منکر نمی کردند به طمع اموالی که داشتند و از ترس این که در محذور واقع شوند و زیان ببینند. سپس جایگاه و اعتبار صحابه و تابعین را چنین توصیف می کند: «شما افراد توانمندی هستید، به علم و خیرخواهی شهرت دارید و به وسیله خدا در دل مردم مهابتی دارید. افراد بلندمرتبه از شما حساب می برند و افراد طبقات پایین، شما را گرامی می دارند و آن ها که هم رده ی شما هستند، شما را بر خود ترجیح می دهند. شما در راه ها به هیبت پادشاهان و ارجمندی بزرگان گام برمی دارید.»

امام، آن ها را مورد عتاب قرار می دهد که مقصر وضع موجود شما هستید؛ شما آنچه می پنداشتید حقتان است گرفتید اما حق ضعفا را نادیده گرفتید. نه مالتان را خرج کردید نه جانتان را به خطر انداختید و نه به خاطر خدا با گروه و عشیره ای درافتادید. شما بزرگان و سرشناسان، می بینید که عهد های الهی از طرف سلاطین نقض می شود و هراسان نمی شوید اما اگر حاکمان وعده هایی که به پدرانان داده اند انجام ندهند، سروصدا می کنید. می بینید که تعهد رسول خدا خوار و بی مقدار شده، کورها و لال ها و زمین گیرها در همه ی شهرها بی سرپرست مانده اند و کسی توجهی به آن ها ندارد.

مقصر کیست؟ مقصر اصلی شما هستید؛ شما که به اندازه مقام خود و درخور مسئولیت خود کاری نمی کنید و به کسی که امر و نهی می کند و

وظیفه خود را انجام می دهد هم خضوع ندارید. شما با مسامحه و سازش با ظالمان، خود را آسوده می دارید. خدا به شما فرمان داده بود که هم به تنهایی و هم در معیت دیگر سرشناسان، نهی از منکر کنید ولی شما از آن غفلت ورزیدید. مصیبت شما از همه مردم بیشتر است؛ زیرا نتوانستید منزلت علما را حفظ کنید و ای گاش تلاش می کردید.

و در فراز آخر بخش دوم، امام می گوید این وضعیت به این دلیل است که شما دانشمندان و علما باید مجاری امور می بودید؛ ولی به خاطر تفرقه میان شما، این مقام از شما گرفته شده است. شما خودتان، ظلم را مسلط کردید و حکومت را به آن ها واگذار. نتیجه این کار شما این شده که ناتوانان را زیر دست آن ها کرده اید و اکنون ناتوانان، محتاج یک لقمه نان و مغلوب هستند و در هر شهری خطیبی سخور بر منبر منصوب است، همه ی کشور اسلامی زیر پای آن ها است و دستشان در همه جا باز است، مردم همه در اختیار آن ها بوند و زمین در تصرف مردی دغل و ستمکار است یا زکات بگیر نابکار و یا حاکم بر مؤمنان که با آن ها مهربان نیست و ترحمی ندارد.

بخش سوم، وظیفه ای است که حسین (ع) پس از مرگ معاویه بر خود می بیند؛ امام، هدف خود را از قیام آتی ذکر می کند که: «خدا یا تو می دانی که عمل و گفتار ما، برای کسب قدرت نیست و به طمع متاع دنیا هم نیست بلکه برای این است که دین تو را برپا ببینیم (برگردانیم)، در بلاد اصلاح کنیم و بنده های ستم رسیده ات را آسوده خاطر و به واجب، سنت و احکام تو عمل شود.»

نویسنده:

رستا محسن پور



بازین به سوره آل عمران
بازین به سوره آل عمران
بازین به سوره آل عمران

حسین فریاد عدالت تاریخ

تا ابد شعار عدالت طلبی و ظلم ستیزی را در گوش جهانیان طنین انداز کردند.

نویسنده:

منصوره حیدری

منبع:

[۱] طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، بی تا، جلد دوم، ص 304.

بایبندی به نماز آن چنان معمول بود که سپاه حر از شدت تقلید به همین فرانس با آن که مأمور به محاصره امام حسین علیه السلام بود اما به امامت امام حسین علیه السلام نماز را اقامه کردند. اولین نامه کوفیان در رمضان سال دهم هجری به دست امام رسید که حاوی اقدامات ظالمانه و بی عدالتیهای امویان بود. در بخشی از نامه آمده است که:

«اما بعد ستایش خدایی را که پشت دشمن ستمگر ترا شکست. همان دشمنی که با زور و برخلاف رضا کار این امت را در دست اختیار خود قرار داد و مال الله و حقوق الهی را غصب کرد و بدون اندک رضایی بر آنان امیر شد. پس بهترین آن ها را کشت و بدترین ایشان را برجا گذارد و حقوق الهی را در میان ستمگران و ثروتمندان تقسیم کرد و ناتوانان را محروم داشت...» [۱]

بنابراین امام حسین علیه السلام عدالت مفقود شده را در زمانی فریاد کشید که جامعه به ظاهر اسلامی آن روز در منجلاب شرک فرو رفته و در کسوت دیانت و توحید، ظلم و بیعدالتی را ترویج داده بود. ایشان با اهدای خون پاک خود و یاران و اقربای خویش نیرنگ بنی امیه و دستهای پشت پرده نظام اموی را رسوا نمودند و

این چراغ فروزان آسمان هدایت و وارث انبیا، گرچه اصالت فریاد خود را علیه دستگاه بیعدالتی یزید برگشید، اما هم او و هم تمام پیامبران الهی تحقق عدالت را نه به مثابه یک هدف بلکه به عنوان ابزاری می دانستند در اختیار بشر برای رساندن انسان به اوج طهارت نفس و عبودیت محض در مقابل معبود خویش.

پس از مرگ معاویه و نشستن یزید بر مسند سلطنت اموی، نامه یزید به ولید حاکم مدینه برای گرفتن بیعت از امام حسین علیه السلام نقطه شروعی بود بر ایجاد برخوردی میان وارث انبیا و عدالت و وارث ستمگری و اشرافیت که در حادثه کربلا به اوج خود رسید و حلقه پیوندی ابدی بود میان تشیع و عدالت.

در حقیقت هدف یزید از بیعت ستاندن از امام حسین علیه السلام مشروعیت بخشیدن به ارت خلافت و ظلم عظیمش بود. فقدان جلوه های توحیدی و بروز شرک اجتماعی در نظام اموی در نهایت به امحای ارزش های توحیدی اجتماعی منتهی شد. قبول بیعت در چنین شرایطی اعلام علنی رضایت به امحای کامل اسلام و میراث انبیا بود. این عاملی شد که امام حسین علیه السلام قصد خروج از مدینه کند.

امام حسین علیه السلام در هنگام خروج مدینه بر سر قبر پیامبر خدای سخنانی بر رسالت خویش در احیای معروف و ستیز علیه منکر اشاره کردند. سؤال اینجاست که منظور امام از معروف نماز و... است یا چیز دیگریست؟ به گواه تاریخ علی رغم فساد اعتقادی یزید، تقلید مردم بر احکام دین در دوران حکومت معاویه و یزید ادامه داشت. آنان تضاد و تناقضی بر دینداری و پذیرفتن حکومت جور و ظلم قائل نبودند ولی این اعتقاد با درک شیعیان و پیشوایان مذهب تشیع فاصله زیادی داشت.



اسلام را قیام ستاد الهی حفظ کرده است. یک جریانی به رهبری حسین بن علی دارد. در دنیا پیش می رود و آن شاء الله پیش خواهد رفت و گره های ملت را باز خواهد کرد.

הַחֶמֶד הַחֲדָשׁ

הַחֶמֶד הַחֲדָשׁ



بارین چه عظیم از کزین
بی نفع خود خاتم اشعرا



بارین سپهر کز خاتم عالم
بارین پوچه پوچه پوچه



پادکست عاشورای حسینی محرم ۱۴۴۵

نویسنده: آلاء

گویندگان:

حدیث اکبری مقدم، حمیدرضا بابائی، دلارام کاظمی

تدوینگر: زهرا هاشمی نژاد



پادکست شب هشتم محرم ۱۴۴۵

نویسنده: محمود فروتن

گوینده: هانیه کریمی

تدوین: زهرا هاشمی نژاد



پادکست شهادت حضرت رقیه
(محرم ۱۴۴۵)

گوینده: فائزه نظری، حسین علینژادان

تدوینگر: زهرا هاشمی نژاد

نویسنده: آلاء



برای او... برای شاهنشاه دین!
(پادکست شب نوزدهم محرم ۱۴۴۵)

گوینده: فاطمه نصر اصفهانی

تدوینگر: راحله سادات خاقانی

نویسنده: فاطمه صفرپور خینعرب



ماهنامه دانشجویی تحریر دانشگاه فرهنگیان

T A H R I R